



تهیه شده در:

معاونت اقتصادی

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران

شهریورماه ۱۳۹۷

بررسی مسائل روز اقتصاد ایران

همکاران این شماره:

ناظر: شیما حاجی نوروزی

همکاران: نرگس مرادی و سارا پارسی

بازخوانی تحریم‌های اقتصادی سال‌های ۹۴-۱۳۹۰ و بررسی اثرات اقتصادی آن‌ها

خلاصه مدیریتی

گزارش حاضر باهدف بازخوانی تحریم‌های اقتصادی ایران و بررسی اثرات تشدید این تحریم‌ها در فاصله سال‌های ۹۴-۱۳۹۰ بر اقتصاد کشور تهیه گردیده است. در این گزارش تأکید شده که ایران به واسطه مشکلات ساختاری اقتصادی طی دهه‌های گذشته همواره از وضعیت نامناسبی برخوردار بوده است که سبب شده پایداری خود را در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی از دست بدهد و آسیب‌پذیر و شکننده شود؛ بنابراین در چنین شرایطی تحریم‌ها به عنوان یک شوک خارجی تنها تشدیدکننده نابسامانی‌های اقتصادی ایران بوده است. با علم به این مهم، در این گزارش سعی شده است مجراها و گلوگاه‌های اثرگذاری تحریم بر اقتصاد ایران و تغییرات شاخص‌های اقتصادی اصلی درگیر با این مجراها در دوره قبل و بعد از تحریم‌ها نشان داده شود.

در بخش اول گزارش، به‌منظور آشنایی با مفهوم و فلسفه تحریم اقتصادی، مروری بر ادبیات تحریم‌های اقتصادی شامل مفهوم، تاریخچه، اهداف، انواع و کانال‌های اثرگذاری این دسته از تحریم صورت گرفته است. تحریم‌های اقتصادی که معمولاً به‌صورت کاهش یا قطع روابط تجاری و مالی متعارف اجرا می‌شوند، از

رایج ترین و پرکاربردترین تحریم های بین المللی هستند که می توانند آثار مخربی را بر اقتصاد کشور تحریم شده تحمیل نمایند.

بخش دوم گزارش که به بررسی تاریخچه اعمال تحریم های اقتصادی فزاینده علیه ایران اختصاص یافته، حاکی از آن است که تحریم ایران توسط غرب موضوع تازه ای نیست و از سابقه ای طولانی در تاریخ معاصر کشور به ویژه در سال های پس پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ برخوردار است. این بخش علاوه بر معرفی آمریکا به عنوان اولین تحریم کننده اصلی ایران، از تلاش های جدی این کشور برای همراه ساختن سایر کشورها در راستای اعمال فشار بر ایران پرده برمی دارد و نشان می دهد چگونه آمریکا باعث شکل گرفتن تحریم های سازمان ملل و تحریم های سایر کشورها به ویژه اتحادیه اروپا و برخی از کشورهای آسیایی علیه ایران شده است.

در **بخش سوم** گزارش، آثار و تبعات اقتصادی تشدید تحریم ها از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۴ (امضای توافق ژنو)، بررسی و چنین نتیجه گرفته شده است که تحریم کنندگان با تمرکز بر کانال های آسیب پذیری اقتصاد کشور به ویژه مجرای درآمدهای نفتی به عنوان تأمین کننده اصلی بودجه دولت در راستای مختل کردن توان اقتصادی کشور گام برداشته اند و منجر به کاهش صادرات نفت و در پی آن کاهش درآمدهای ارزی شدند. متوسط سالانه صادرات نفت خام در طی ۴ سال منتهی به سال ۱۳۹۴ (حدود ۱۵۰۰ هزار بشکه) به نسبت ۴ سال منتهی به سال ۱۳۹۰ (حدود ۲۱۰۰ هزار بشکه) معادل ۲۷,۰۶ درصد کاهش داشته است.

تنش در بازار ارز ناشی از کمبود عرضه ارز، از دیگر ثمره های تحریم های اقتصادی بود که به شکل جهش ارزی نمایان شد و آثار و تبعات منفی خود را بر تولید و رفاه مردم بر جای گذاشت.

همچنین تحریم ها از طریق محدود ساختن دسترسی ایران به نظام بانکی و مالی بین المللی منجر به افزایش نرخ حق بیمه تسهیلات، افزایش نرخ تنزیل اسناد ایران در بانک های خارجی، افزایش کارمزدهای بانکی پرداختی در مراودات با بانک های خارجی، افزایش هزینه خرید از واسطه ها، افزایش هزینه کارمزد گشایش اعتبارات اسنادی و درنهایت افزایش هزینه های جایگزینی کارگزاران بانکی، شد و ریسک اعتباری و هزینه مبادله را افزایش داد.

کاهش واردات مواد اولیه، واسطه ای و سرمایه ای، کاهش تولیدات صنعتی، تغییر شرکای تجاری ایران، کاهش سرمایه گذاری خارجی، افت نرخ رشد و بدتر شدن شاخص رفاه از دیگر آثار تحریم های اقتصادی بوده است. ایران بیشترین افت نرخ رشد اقتصادی طی دهه اخیر (منتهی به سال ۱۳۹۶) را در سال ۱۳۹۱ به میزان ۷,۷- درصد شاهد بوده است.

در بخش چهارم نیز دور جدید تحریم‌های امریکا علیه ایران به اختصار مورد بررسی قرار گرفته است. این تحریم‌ها شامل دو بخش تحریم‌های بازگشتی پس از دوره ۹۰ روزه (۱۵ مرداد ۱۳۹۷) و تحریم‌های بازگشتی پس از دوره ۱۸۰ روزه (۱۳ آبان ۱۳۹۷) می‌شود. دور جدید تحریم‌ها شامل بازگشت تحریم‌هایی است که به واسطه برجام لغو شده بودند.

در پایان با توجه به مطالب ارائه شده، بر ضرورت تدوین یک برنامه عملیاتی و جامع مقابله با دور جدید تحریم‌های امریکا در کوتاه مدت و افزایش تاب‌آوری و کاهش نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد ایران از طریق اجراسازی اقتصاد مقاومتی به دوراز شعارزدگی در بلندمدت تأکید شده است. انتظار می‌رود برنامه جامع مقابله با تحریم‌ها واقع‌بینانه تدوین و در آن از موضع توسعه ملی و کلان اقتصادی به مسئله نگریسته شود. ضمن آنکه برای موفقیت برنامه مذکور حضور و همراهی مردم ضروری است لذا لازم است در راستای به دست آوردن اعتماد عمومی تلاش گردد.

طی دهه‌های گذشته اقتصاد ایران همواره درگیر طیف وسیعی از مشکلات اقتصادی بوده که دامنه آن‌ها از مشکلات ملی همچون وابستگی به درآمدهای نفتی، هزینه کردن بی‌حساب و کتاب درآمدهای ارزی و تزریق منابع، گسترش فساد و رانت‌جویی، فشارهای فزاینده به بخش‌های مولد و بزرگ شدن بخش‌های غیرمولد، افزایش بی‌رویه نقدینگی و محیط کسب‌وکار نامناسب تا معضلات بین‌المللی نظیر تحریم‌ها گسترده شده است. لذا اقتصاد ایران به دلیل مشکلات ساختاری آن همواره شکننده بوده و توان تاب‌آوری در مقابل بحران‌های اقتصادی را نداشته است. آسیب‌پذیری اقتصاد با شدت گرفتن تحریم‌های امریکا در نیمه اول دهه ۹۰ به صورت خاص سال‌های ۹۲-۱۳۹۰، بیش از پیش شد. به گزارش بانک مرکزی رشد تولید ناخالص داخلی در سال‌های ۹۲-۱۳۹۰ به ترتیب معادل ۳,۱، ۷,۷- و ۰,۳- درصد بود؛ در حالی که هم‌زمان تورم دورقمی به صورتی افسارگسیخته از رقم ۲۱,۵ در سال ۹۰ به رقم ۳۰,۵ و ۳۴,۷ درصد در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ افزایش یافت و یکی از عمیق‌یافته‌ترین رکودهای تورمی را تجربه کردیم.

شایان ذکر است، متخصصان اقتصادی دیدگاه‌های مختلفی در ارتباط با اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد ایران دارند. برخی تحریم‌ها را اثرگذار و دارای پیامدهای منفی قوی معرفی کردند و در مقابل عده‌ای بیان کردند که این تحریم‌ها دارای اثرگذاری اندک و بعضاً کوتاه‌مدت بوده‌اند. با توجه به اینکه مشکلات داخلی و اثرات تحریم‌ها بسیار در هم تنیده‌اند، میزان اثرگذاری مستقیم و غیرمستقیم تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، نیازمند مطالعات دقیقی است. لذا گرچه نمی‌توان وقایع اتفاق افتاده طی این سال‌ها را کاملاً به تحریم‌ها نسبت داد، اما می‌توان ادعان داشت که طی دهه‌های اخیر مشکلات ساختاری، اقتصاد ایران را تا حدی آسیب‌پذیر کرد که شوک‌های اقتصادی نظیر تحریم به راحتی می‌تواند آن را دچار بحران کند.

۱- ادبیات تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌ها، ابزارهایی غیرنظامی در عرصه سیاست خارجی و دیپلماسی بین‌المللی هستند که کشور یا کشورهای تحریم‌کننده از آن‌ها جهت ایجاد درد، ناکامی و در یک کلام سخت کردن شرایط برای کشور هدف^۱ استفاده می‌کنند تا آن را وادار به تغییر در رفتار مورد انتقاد و یا انجام عکس‌العمل مورد انتظار کنند (نفیو، ۱۳۹۷؛ هافبوئر، ۱۳۹۳).

^۱ کشوری که به زعم تحریم‌کنندگان با تصمیمات استراتژیک بازیگران دولتی و غیردولتی خود، منافع آنها را به خطر انداخته و یا اقدام به نقض قوانین بین‌المللی نموده است (CFR, 2017).

در میان انواع تحریم‌ها^۱، تحریم‌های اقتصادی از آن جهت که منافع اقتصادی کشورها را هدف قرار می‌دهند و شرایط اقتصادی نامطلوب را در کشور هدف رقم می‌زنند، به‌عنوان مخرب‌ترین و آسیب‌زننده‌ترین تحریم‌ها شناخته می‌شوند (نفیو، ۱۳۹۷). احتمالاً به‌همین دلیل است که این نوع از تحریم‌ها از رایج‌ترین و پرآستفاده‌ترین تحریم‌های بین‌المللی نیز هستند (هافبوئر، ۱۳۹۳؛ تدبیر اقتصادی، ۱۳۷۸؛ نفیو، ۱۳۹۷).

۱-۱- تعریف تحریم اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی که معمولاً در قالب تهدید یا اقدام به کاهش روابط تجاری و مالی مرسوم^۲ و یا قطع این روابط اعمال می‌شوند، به‌صورت تلاش آگاهانه کشور تحریم‌کننده (یا ائتلافی از کشورها و یا حتی یک سازمان بین‌المللی) در راستای تحمیل فشارهای اقتصادی^۳ بر کشور هدف تعریف می‌شوند (قاسمی، ۱۳۹۳؛ سیدنورانی، ۱۳۸۸).

۱-۲- تاریخچه تحریم‌های اقتصادی

بررسی سابقه استفاده از تحریم‌های اقتصادی (به‌عنوان جزئی لاینفک از سیاست خارجی بسیاری از دولت‌ها از عهد یونان باستان تاکنون)، حاکی از آن است که بسیاری از تحریم‌هایی که تا قبل از جنگ جهانی اول اجرا شده‌اند، یا پیش‌زمینه‌ای برای شروع جنگ بوده‌اند و یا هم‌زمان با جنگ‌ها به‌عنوان مکملی برای اقدامات نظامی به‌کار گرفته شده‌اند. تنها پس از پایان جنگ جهانی اول، توجه بسیاری از دولت‌ها به این موضوع جلب شد که می‌توان از تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان سیاست‌هایی مستقل استفاده کرد و آن‌ها را جایگزین اقدامات نظامی نمود (طغیانی، ۱۳۹۳؛ هافبوئر، ۱۳۹۳).

دلیل تغییر نگرش فوق‌الذکر را می‌توان «ماهیت تمامیت‌خواه، ویرانگر و پرهزینه جنگ‌ها دانست که خود را به‌ویژه در طول جنگ جهانی اول نشان داد و باعث شد بسیاری از استراتژیست‌ها، در جستجوی ابزار و روش جایگزین خونریزی، خشونت و ویرانی‌های حاصل از جنگ باشند و از طریق آن اراده خود را بر رقبا و حریفان، دیکته کنند» (نفیو، ۱۳۹۷). از همین رو، با پایان جنگ جهانی اول، توسل به «سلاح اقتصادی» به‌عنوان سلاحی غیرنظامی برای برقراری صلح، در دستور کار جامعه ملل (L.N)^۴ قرار گرفت و اعلام شد هر

^۱ اعم از تحریم‌های سیاسی و دیپلماتیک، تحریم‌های نظامی، تحریم‌های حوزه فناوری و تحریم‌های اقتصادی (نفیو، ۱۳۹۷).

^۲ مرسوم به معنای قراردادی نیست، بلکه معنای ساده آن سطوحی از تجارت و فعالیت مالی است که احتمالاً در غیاب تحریم‌ها اتفاق می‌افتد (قاسمی، ۱۳۹۳).

^۳ از قبیل محدودیت در دسترسی به منابع و ابزارهای اقتصادی، اخلال در مبادلات اقتصادی با سایر کشورها، افزایش هزینه فعالیت‌های اقتصادی و غیره (نفیو، ۱۳۹۷ و قاسمی، ۱۳۹۳).

^۴ League of Nations (LN)

کشوری که قبل از تلاش برای حل مسالمت‌آمیز دعاوی خود به جنگ روی آورد، تحریم می‌شود (ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل) (طغیانی، ۱۳۹۳).

اگرچه جامعه ملل توانست از تهدید به اعمال تحریم‌های اقتصادی جهت حل و فصل برخی از مناقشات مرزی (همچون تلاش یوگسلاوی برای تصرف قلمرو آلبانی (۱۹۲۱) و ادعاهای ارضی یونان درباره قلمرو بلغارستان (۱۹۲۵)) بهره ببرد، اما در استفاده از تحریم‌ها برای دفع تجاوز کشورهای قدرتمند همچون ایتالیا، آلمان، ژاپن و شوروی و جلوگیری از آغاز جنگ جهانی دوم موفق نبود (طغیانی، ۱۳۹۳).

با شروع جنگ جهانی دوم، اهداف استفاده از تحریم‌ها همچنان رنگ و بوی جنگ داشتند و معمولاً به کار گرفته می‌شدند تا جلوی ماجراجویی‌های نظامی را بگیرند یا مکمل اقدامات جنگی باشند. سرانجام با پایان جنگ و تشکیل سازمان ملل متحد (UN)، بار دیگر تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان ابزاری برای ایجاد صلح مورد توجه قرار گرفتند و بر همین اساس اعلام شد هر زمانی که شورای امنیت سازمان ملل (متشکل از ۵ عضو اصلی و ۱۰ عضو انتخابی)، به این نتیجه برسد که صلح تهدید یا نقض شده است، به تحریم مبادرت می‌کند (ماده ۳۹ منشور سازمان ملل) (هافبوئر، ۱۳۹۳).

در ادامه به تدریج، تحریم‌های اقتصادی به‌منظور دستیابی به سایر اهداف سیاست خارجی همچون ناکارآمدسازی تلاش‌های کشور هدف برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی (به‌ویژه قابلیت‌های هسته‌ای)، تحت فشار قرار دادن رژیم‌های سرکوب‌گر برای بهبود مسائل حقوق بشر، مبارزه با تولید و قاچاق مواد مخدر، مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم مورد استفاده قرار گرفتند (هافبوئر، ۱۳۹۳).

۱-۳- اهداف تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی، ابزاری برای مجازات، تنبیه، ترغیب و اعمال فشار (تحمیل یا ممانعت) و حتی نمایی از نوع قدرت بر علیه کشور هدف، هستند، از همین رو کشورهای تحریم‌کننده می‌توانند با اعمال تحریم‌های اقتصادی، اهداف گوناگونی را پیگیری نمایند، برخی از این اهداف عبارت‌اند از:

- ✓ ابراز وجود یا قدرت در سطح بین‌المللی؛
- ✓ اطمینان خاطر دادن به مخاطبان موردنظر در کشور تحریم‌کننده در خصوص مخالفت دولت انتخابی آن‌ها با سیاست‌های کشور هدف؛
- ✓ نشان دادن مراتب مخالفت نمادین با سیاست‌های کشور هدف؛
- ✓ تنبیه و مجازات کشور هدف به دلیل سیاست‌های آن؛
- ✓ کاهش توان نظامی، اقتصادی و سیاسی کشور هدف؛

- ✓ تمایل به تأثیرگذاری در سیاست‌های کشور هدف و حتی تغییر رژیم سیاسی آن کشور؛
- ✓ ایجاد بی‌ثباتی در کشور هدف (عموماً به قصد ایجاد تغییر در نظام سیاسی آن کشور)؛
- ✓ تفهیم به کشور هدف و متحدان بالقوه آن در خصوص وجود اراده لازم برای اجرای عملیات علیه آن‌ها (علیخانی، ۱۳۸۰؛ مختاری، ۱۳۹۴).

۴-۱- انواع تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی با توجه به ماهیت مبادله (شامل جابجایی فیزیکی کالا و جابجایی منابع مالی مربوط به مبادله)، به دو شکل اصلی شامل ممنوعیت‌های تجاری و محدودیت‌های مالی اعمال می‌شوند:

۱-۴-۱- تحریم‌های تجاری

تحریم‌های تجاری به صورت محدود کردن یا قطع نمودن انواع واردات و صادرات یا امتناع از خرید و فروش با کشور هدف وضع و اجرا می‌شود (اقبالی، ۱۳۹۴) و هزینه‌هایی از قبیل از دست دادن بازارهای صادرات، جلوگیری از دسترسی به واردات کالاهای، خدمات و فناوری‌های حساس و مهم، کاهش قیمت دریافتی بابت صادرات انجام شده و افزایش قیمت پرداختی برای کالاهای وارداتی را بر اقتصاد کشور هدف تحمیل می‌نمایند (هافبوئر، ۱۳۹۳). از مصادیق تحریم‌های اقتصادی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- سهمیه‌بندی، تحدید و توقف کلی صادرات و واردات؛
- سیاست تبعیض‌آمیز تعرفه‌ای، شامل رد همکاری بیشتر با کشور هدف و پذیرش امتیاز تعرفه‌ای عمومی؛
- تعلیق و لغو موافقت‌نامه‌های تجاری و پروژه‌های مشترک؛
- ممنوع کردن صادرات تکنولوژی و تهیه لیست سیاه از معاملات تجاری در حال انجام توسط کشور هدف؛
- قطع، تعلیق و لغو کمک‌های فنی و برنامه‌های آموزشی (تدبیر اقتصادی، ۱۳۷۸).

۱-۴-۲- تحریم‌های مالی

در این نوع تحریم، روابط مالی و فرایندهای بیمه‌ای کشور هدف (از طریق اقداماتی همچون ایجاد ممنوعیت یا محدودیت بر ارائه خدمات بیمه‌ای، مالی و بانکی یا نقل و انتقالات مالی؛ مسدود نمودن دارایی‌های خارجی کشور هدف؛ ایجاد ممنوعیت‌هایی در فروش نفت خام و واردات فراورده‌های نفتی؛ ایجاد اختلال در گشایش اعتبار اسنادی برای تجار کشور، ایجاد موانع در جذب سرمایه‌گذاری خارجی و یا حتی محروم نمودن کشور

هدف از دسترسی به وامها و اعتبارات بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و نیز کمک‌های بلاعوض) تحت تأثیر قرار می‌گیرند (تدبیر اقتصادی، ۱۳۹۷).

در واقع، تحریم‌های مالی کمتر بر کالاها و خدمات تمرکز می‌کنند و بیشتر بر نحوه انجام معاملات یا تبادلات مالی تمرکز دارند چراکه فرض اصلی این است که زیرساخت انجام فعالیت‌های تجاری مذکور، جریان‌های مالی هستند (نفیو، ۱۳۹۷).

۱-۵-۵- کانال‌های اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌کنندگان با هدف قرار دادن مجراهای مختلفی در اقتصاد کشور هدف، تلاش می‌کنند اثرگذاری تحریم‌های اقتصادی را افزایش دهند و از این طریق اهداف خود را محقق سازند. از جمله مهم‌ترین کانال‌های اثرگذاری تحریم‌ها می‌توان به تغییرات در تجارت، تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال، اشاره نمود؛ بنابراین، در یک دسته‌بندی ساده می‌توان عمده اثرات تحریم‌های اقتصادی را در سه گروه واردات، صادرات و سرمایه‌گذاری طبقه‌بندی کرد:

۱-۵-۱- مجرای واردات

با تحریم واردات، از یک‌سو واردات کاهش می‌یابد و از سوی دیگر هزینه‌های مربوط به واردات حجم مشخصی از کالاها نسبت به قبل افزایش می‌یابد. باید توجه داشت که کاهش واردات، کاهش درآمدهای دولت از محل تعرفه‌های وارداتی را به دنبال دارد و افزایش هزینه‌های واردات به‌ویژه واردات مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای منجر به افزایش قیمت تمام‌شده کالاهای تولیدی در داخل کشور هدف می‌شود که از یک‌طرف موجب افزایش قیمت‌ها و در نتیجه افزایش تورم می‌شود و از طرف دیگر قدرت رقابت‌پذیری تولید را در بازارهای جهانی کاهش می‌دهد (گرشاسبی، ۱۳۹۵).

۱-۵-۲- مجرای صادرات

با توجه به اینکه صادرات یکی از مجراهای ارزآوری برای هر کشور است، بنابراین به‌هنگام اعمال تحریم‌های اقتصادی بر صادرات کالاها و خدمات، کشور هدف در خصوص منابع ارزی خود و در نتیجه تهیه ارز موردنیاز برای واردات با مشکل مواجه می‌شود. تحریم صادرات در زمانی که تنوع کالاهای صادراتی در کشور تحریم‌شونده پایین باشد، می‌تواند بسیار مخاطره‌آمیز باشد. این موضوع به‌ویژه در خصوص کشورهای صادرکننده نفت با سهم‌های ناچیز صادرات غیرنفتی از صادرات کل، صادق است (گرشاسبی، ۱۳۹۵).

۱-۵-۳- سرمایه‌گذاری

اعمال تحریم، موجب شکل گرفتن نوعی عدم اطمینان در اقتصاد "کشور هدف" می‌شود، به طوری که سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را وادار به تأمل و صبر می‌کند. این شرایط از یک سو، موجب کاهش انگیزه سرمایه‌گذاران داخلی و از سوی دیگر، منجر به از دست رفتن فرصت‌های جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. به این ترتیب رشد بلندمدت و مداوم اقتصادی که با تجهیز بهینه منابع سرمایه‌گذاری حاصل می‌گردد، به خطر می‌افتد (گرشاسبی، ۱۳۹۵).

۲- تجربه کشورهای جهان در خصوص تحریم‌های اقتصادی

۲-۱- سوریه

سابقه اعمال تحریم از سوی آمریکا علیه سوریه به سال ۱۹۸۶ باز می‌گردد. در آن زمان تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه سوریه به بهانه حمایت این کشور از تروریسم وضع و اجرا شدند.

در سال ۲۰۰۳، مجلس سنای آمریکا با هدف پایان بخشیدن به حمایت سوریه از تروریسم، خاتمه دادن به اشغال لبنان از سوی سوریه، منع گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و توقف واردات غیرقانونی نفت از عراق، اقدام به صدور قانون «اعاده حاکمیت لبنان و مسئولیت‌پذیری سوریه» (SALSA)^۱ کرد تا از طریق این قانون سوریه را در قبال مشکلات جدی امنیتی که در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای به وجود آمده بود، مسئولیت‌پذیر کرده باشد (مرادی، ۱۳۹۲).

در سال ۲۰۰۴ نیز جرج بوش رئیس‌جمهور آمریکا، اقدام به صدور دستور اجرایی شماره ۱۳۳۳۸ نمود و اجازه اجرای قانون "SALSA" را صادر کرد که منجر به تحمیل تحریم‌هایی از قبیل صادره دارایی‌های اشخاص معین، ممنوعیت فروش مهمات و کالاهای با کاربرد دوگانه، ممنوعیت صادرات هر نوع کالا به سوریه غیر از غذا و دارو و منع هواپیماهای سوری برای فرود در آمریکا یا عبور از حریم هوایی ایالات متحده، بر علیه سوریه شد (هافبوئر، ۱۳۹۳).

در سال ۲۰۱۱، با شکل‌گیری بحران سوریه و متهم شدن دولت این کشور به سرکوب خشونت‌آمیز مخالفین، نقض حقوق بشر و جنایت علیه مردم سوریه، رژیم‌های تحریم‌های بین‌المللی علیه این کشور شکل گرفت. این تحریم‌ها از سوی ایالات متحده آغاز شد، سپس شورای امنیت سازمان ملل اقدام به وضع قطعنامه علیه سوریه نمود که از سوی چین و روسیه وتو شد. با این حال اتحادیه اروپا، اتحادیه کشورهای عرب و ترکیه به

^۱ Syria Accountability and Lebanese Sovereignty Act (SALSA).

تحریم سوریه تن دادند (Friberg, 2012) و (هافبوئر، ۱۳۹۳). این تحریم‌ها را می‌توان به شکل ذیل دسته‌بندی نمود:

- تحریم‌های ایالات متحده: شامل تشدید تحریم‌های قبلی و پنج دستور اجرایی رئیس‌جمهور آمریکا^۱ شامل بلوکه کردن دارایی‌های سوریه در آمریکا، تحریم نفتی و افزایش قابل توجه اشخاص و سازمان‌های مشمول تحریم (Friberg, 2012).
- تحریم‌های اتحادیه اروپا: اعمال تحریم‌های نفتی و بانکی، تحریم فروش فلزات گران‌بها به سوریه (همان).
- تحریم‌های اتحادیه عرب: توقف معاملات با بانک مرکزی و بانک بازرگانی سوریه، قطع معاملات تجاری و مالی با دولت سوریه و مصادره دارایی‌های آن، توقف تأمین مالی پروژه‌های سوری، ممنوعیت ورود سران دولتی سوریه به کشورهای عربی و مصادره اموال آن‌ها (همان).
- تحریم‌های ترکیه: ممنوعیت سفر افراد معین به ترکیه و مسدود کردن دارایی‌های آن‌ها، تحریم‌های تسلیحاتی، تعلیق روابط با بانک مرکزی و بانک بازرگانی سوریه، تعلیق اعتبارات و مسدودسازی دارایی‌های دولت سوریه، تعلیق توافق‌نامه اعتباری Eximbank ترکیه برای تأمین مالی زیرساخت‌ها در سوریه و تعلیق شورای عالی همکاری‌های استراتژیک^۲ (همان).

تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد سوریه بسیار گسترده و قابل توجه است. تحریم‌های نفتی منجر به کاهش صادرات و تولید نفت در سوریه شد. با توجه به موانع ایجاد شده بر سر راه صادرات نفت، تولید نفت در سوریه نیز به مقدار قابل توجهی کاهش یافت، عمده اپراتورهای نفتی بین‌المللی که مسئول دو سوم تولید کل نفت در سوریه بودند، بر اساس تحریم‌ها و یا وضعیت امنیتی نامناسب در این کشور، همکاری خود با دولت سوریه را به حالت تعلیق درآورده‌اند و از بازار نفت سوریه خارج شدند (همان).

ممنوعیت استفاده از دلار آمریکا در کنار تحریم‌های مالی (شامل قطع همکاری‌های مالی و بانکی با بانک مرکزی سوریه، بانک تجاری و سایر بانک‌های سوری) نیز توانایی دولت سوریه را برای انجام معاملات بین‌المللی و بنابراین دستیابی به درآمدهای نفتی (به‌عنوان مهم‌ترین منبع درآمدی دولت) و ارز خارجی از بین برد. افزایش فعالیت‌های اقتصادی از کانال‌های غیررسمی نیز از یک سو منجر به تعمیق قاچاق در

^۱ دستورهای اجرایی رئیس‌جمهور به شماره‌های ۱۳۵۷۲ در ۲۹ آوریل ۲۰۱۱، ۱۳۵۷۳ در تاریخ ۱۸ می ۲۰۱۱، ۱۳۵۸۲ در تاریخ ۱۸ اگوست ۲۰۱۱، ۱۳۶۰۶ در تاریخ آوریل ۲۰۱۲ و ۱۳۶۰۸ در تاریخ یک می ۲۰۱۲.

^۲ این شورا در سال ۲۰۰۹ توسط کشورهای ترکیه، سوریه، اردن و لبنان به منظور همکاری‌های استراتژیک در سطح مقامات عالی‌رتبه کشورها به منظور افزایش گفتگوی سیاسی، افزایش روابط اقتصادی و تعاملات فرهنگی و غیره شکل گرفت (Forien Minister Affairs of Turkey, 2018).

سوریه و از سوی دیگر با افزایش هزینه‌های معامله، تورم بالایی را در این کشور رقم زد (Friberg, 2012)

اقدامات تنبیهی اعمال شده علیه سوریه، نه تنها دسترسی این کشور را به وام‌ها و اعتبارات بین‌المللی کاهش داد، بلکه منجر به کاهش اعتماد بین‌المللی به ارز سوریه و کاهش ارزش پول ملی آن شد. با افزایش هزینه‌های واردات کالا به سوریه، هزینه‌های تولید نیز به شدت افزایش یافت و از طرفی با افزایش ناامنی و خشونت در این کشور، بخش‌های کشاورزی و ساخت نیز به شدت آسیب دید و سوریه نه تنها امکان صادرات این نوع محصولات را از دست داد بلکه در تامین مواد غذایی برای مردم خود نیز ناتوان شد (همان).

۲-۲- لیبی

تحریم‌های ایالات متحده علیه لیبی در سال ۱۹۷۸، با ممنوعیت فروش تجهیزات نظامی به این کشور آغاز شد (طغیانی، ۱۳۹۳). یک سال بعد نیز لیبی از سوی آمریکا در لیست کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی قرار گرفت و مشمول تحریم‌های بیشتر از جمله مصادره دارایی‌های لیبی در آمریکا، ممنوعیت پرداخت وام و اعطای کمک‌های اقتصادی آمریکا و برخی نهادهای بین‌المللی تحت حمایت ایالات متحده به لیبی و منع صادرات کالاهای دارای کاربرد دوگانه به لیبی شد (Ong, 2016) این دسته از تحریم‌ها تأثیر چندانی بر اقتصاد لیبی نداشتند، چون اولاً کمتر از ۲ درصد از اموال لیبی در آمریکا بود و ثانیاً این کشور قبلاً هرگز از آمریکا یا صندوق بین‌المللی پول و یا بانک جهانی کمک مالی دریافت نکرده بود (Barnum & Fearey, 2016). تحریم‌های آمریکا در سال ۱۹۸۲، با تحریم واردات نفت از لیبی به خاک آمریکا و جلوگیری از صادرات تجهیزات آمریکایی مورد نیاز بخش انرژی لیبی به این کشور تشدید شد. در سال ۱۹۸۶ نیز، رئیس‌جمهور آمریکا در واکنش به حمله تروریستی اتباع لیبیایی به فرودگاه‌های رم و وین، دستور اجرایی شماره ۱۲۵۴۳ مبنی بر قطع تمام فعالیت‌های اقتصادی بین دو کشور و مصادره اموال دولت لیبی در آمریکا را صادر کرد (Ong, 2016). تحریم‌های صادراتی آمریکا نیز برای لیبی آثار منفی چندانی به همراه نداشت، چراکه جایگزین‌های اروپایی یا آسیایی برای آن‌ها وجود داشت. تنها استثنا در خصوص صنعت حمل‌ونقل هوایی و انواع خاصی از فناوری‌های تخصصی در حوزه صنعت نفت لیبی بود که تنها توسط آمریکا تولید می‌شد و لیبی برای دستیابی به آن‌ها مجبور به پرداخت هزینه‌های بالا در بازار سیاه شد. همچنین، بخش نفت لیبی به دلیل فقدان پرسنل آموزش دیده و آشنا با تجهیزات طراحی شده توسط شرکت‌های آمریکایی و مشکلاتی نظیر دستیابی به قطعات جایگزین، دچار کاهش مداوم بهره‌وری شد. تحریم واردات نفت لیبی نیز مشکلی برای این کشور به وجود نیاورد چراکه دولت لیبی بلافاصله بازارهای

اروپایی و آمریکای لاتین را جایگزین بازار از دست رفته آمریکا نمود و به این ترتیب به شرکای تجاری خود تنوع بخشید. اگرچه تحریم‌های آمریکا اثر مستقیم چندانی از خود نشان ندادند اما منجر به ادغام اقتصاد لیبی با اتحادیه اروپا و بنابراین افزایش آسیب‌پذیری این کشور از جانب تحریم‌های چندجانبه سازمان ملل شدند که در دهه ۹۰ میلادی شکل گرفتند (Barnum & Fearey, 2016).

در سال ۱۹۹۲، با محکوم شدن اتباع لیبی به دست داشتن در حادثه تروریستی بمب‌گذاری لاکربی^۱ که منجر به مرگ ۲۷۰ سرنشین پرواز شماره ۱۰۳ خطوط هواپیمایی آمریکا از لندن به مقصد فرودگاه بین‌المللی جان اف کندی نیویورک شد، شورای امنیت سازمان ملل وارد عمل شد و اقدام به صدور قطعنامه ۷۴۸ علیه لیبی نمود. در این قطعنامه، شورای امنیت خواستار استرداد مظنونین حادثه مذکور به کشورهای آسیب‌دیده شد و تحریم‌هایی نظیر ممنوعیت پرواز، ممنوعیت فروش تجهیزات نظامی، محدود کردن ویزای اتباع و دیپلمات‌های این کشور را وضع نمود (Sillman, 2016).

با رد اتهام مذکور از سوی لیبی و عدم همکاری آن در تحویل مظنونین لاکربی، شورای امنیت با صدور قطعنامه ۸۸۳، علاوه بر تقویت تحریم‌های قبلی، تمام منابع مالی لیبی در خارج از این کشور را مسدود نمود (Ong, 2016). در سال ۱۹۹۶ نیز، آمریکا بر اساس قانون مجازات ضد تروریسم (AEDPA)^۱ کلیه روابط تجاری و مالی خود را با لیبی قطع کرد و بر اساس «قانون تحریم‌های ایران - لیبی» (ILSA)^۲ بخش انرژی در لیبی را هدف تحریم‌های اقتصادی خود قرار داد (Ong, 2016).

تحریم‌های سازمان ملل به دلیل نفوذ اروپا هرگز منجر به حذف لیبی از بازار جهانی نفت نشد، اما تحریم‌های مالی هدفمند که دسترسی این کشور به درآمدهای نفتی را محدود کرده بود و تحریم‌های تجاری که امکان ارتقاء ظرفیت‌های تولید به‌ویژه در بخش نفت را از لیبی گرفته بود، منجر به کاهش رشد تولید ناخالص داخلی در لیبی شد، به طوری که در فاصله سال‌های ۹۲ تا ۲۰۰۰ میلادی متوسط رشد اقتصادی در لیبی تنها ۰٫۸ درصد بود (Barnum & Fearey, 2016).

از دیگر آثار تحریم‌ها می‌توان به تضعیف پول ملی لیبی اشاره کرد که با توجه به وابستگی شدید بخش‌های مختلف اقتصاد لیبی به واردات، تضعیف دینار منجر به افزایش شدید قیمت‌ها و شکل‌گیری نرخ تورم بسیار بالا شد. لازم به ذکر است که افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل به‌ویژه کالاها و مواد غذایی به دلیل ممنوعیت‌های سفر و پرواز، افزایش بیشتر قیمت‌ها را رقم زد. در این میان شکل‌گیری کانال‌های قاچاق و

¹ The Antiterrorism and Effective Death Penalty Act (AEDPA)

² Iran and Libya Sanctions Act (ILSA)

بازار سیاه برای بسیاری از کالاها نیز خود بر تشدید قیمت‌ها دامن زد. بنابر اعلام وزارت امور خارجه لیبی در سال ۱۹۹۸، تحریم‌های سازمان ملل از سال ۱۹۹۲، بیش از ۲۴ میلیارد دلار هزینه بر اقتصاد لیبی تحمیل کردند (Barnum & Fearey, 2016).

با تشدید تحریم‌ها و افزایش فشارها، لیبی در سال ۱۹۹۹، اقدام به بازگرداندن دو مظنون حمله لاکربی به هلند نمود و سازمان ملل تحریم‌های خود را لغو کرد اما آمریکا خواستار پذیرش مسئولیت بمب‌گذاری و جبران خسارت برای خانواده‌های قربانیان شد و در سال ۲۰۰۱، علی‌رغم تمام مخالفت‌ها، قانون ایلسا (ILSA) را برای ۵ سال دیگر تمدید کرد. در سال ۲۰۰۳، با پرداخت خسارت ۲٫۷ میلیارد دلاری از سوی لیبی به خانواده‌های قربانیان لاکربی، نام لیبی از قانون ایلسا خارج شد (سال ۲۰۰۴) و این قانون به قانون تحریم‌های ایران (ایسا) تغییر نام داد. رئیس‌جمهور آمریکا، همچنین به اعلام شرایط اضطرار ملی در مورد لیبی پایان داد و تمام تحریم‌های آمریکا علیه این کشور را لغو کرد (Ong, 2016).

دولت لیبی که در راستای اولویت‌های سیاسی خود، بودجه عمومی را کاهش داده و با اعتراض مواجه شده بود، به‌منظور بقای سیاسی خود اقدام به سرکوب خشونت‌آمیز معترضان و تظاهرکنندگان کرد. این اقدام لیبی در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید و منجر به شکل‌گیری تحریم‌های آمریکا، سازمان ملل و کشورهای نظیر استرالیا و کانادا علیه این کشور شد. این تحریم‌ها که اهدافی نظیر توقف سرکوب‌های مسلحانه و حذف قذافی، خانواده و وابستگان وی از قدرت را دنبال می‌کردند، در قالب ممنوعیت سفر قذافی و اعضای دولت وی، ممنوعیت هرگونه معامله مالی با قذافی و تمام سازمان‌ها و نهادهای دولت او (شامل بانک مرکزی لیبی)، توقف کمک‌های نظامی به لیبی و مصادره دارایی‌های مالی لیبی، همچنین تحریم تسلیحاتی علیه دولت قذافی اعمال شدند. سازمان ملل در سال ۲۰۱۱، مجوز حملات هوایی و ایجاد منطقه پرواز ممنوع را صادر کرد. آمریکا، انگلستان و فرانسه به ارائه مشاوره نظامی و کمک مخفیانه به شورشیان اقدام کردند و ناتو نیز اقدام به انجام حملات هوایی کرد، به این ترتیب کنترل بیشتر شهرهای لیبی به دست نیروهای شورشی افتاد و سرانجام با قتل قذافی در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱، اولین هدف تحریم‌ها مبنی بر حذف قذافی از قدرت، عملی شد (هافبوئر، ۱۳۹۳).

۳- تحریم‌های اقتصادی علیه ایران

تحریم ایران توسط کشورهای غربی موضوع تازه‌ای نیست و از قدمتی طولانی در تاریخ معاصر کشور به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی برخوردار است. اولین تجربه غرب در ارتباط با تحریم ایران به دوران نخست‌وزیری دکتر محمد مصدق و سیاست او مبنی بر ملی شدن صنعت نفت برمی‌گردد. در این دوره آمریکا و انگلستان تلاش کردند با تحریم خرید نفت از ایران و بنابراین قطع تنها منبع درآمدی آن، کشور را

تحت فشار اقتصادی قرار دهند و جریان ملی شدن صنعت نفت را مهار کنند (طغیانی، ۱۳۹۳). با این حال دور اصلی تحریم‌های ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (سال ۱۳۵۷)، کلید خورد. این دور از تحریم‌ها با تحمیل تحریم‌های یک‌جانبه از سوی ایالات متحده در سال ۱۹۷۹ آغاز شد، سپس در طول زمان از نظر عمق و دامنه اثر گسترش یافت و در نهایت با تلاش‌های جدی آمریکا به منظور جلب حمایت و مشارکت "جامعه جهانی" برای اعمال فشار علیه ایران، به رژیم‌های از تحریم‌های بین‌المللی شامل تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل (از سال ۲۰۰۶) و تحریم‌های سایر کشورها به‌ویژه اتحادیه اروپا (از سال ۲۰۰۷)، تبدیل شد (جدول یک) (Spider Web, 2013).

به‌طور خلاصه در خصوص تحریم‌های اعمال شده علیه کشورمان در سال‌های پس از انقلاب، می‌توان گفت این تحریم‌ها به‌دلایلی همچون حمایت ایران از تروریسم، بهبود حقوق بشر در ایران، محدود نمودن قدرت استراتژیک ایران در منطقه، جلوگیری از دسترسی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی (به‌ویژه بمب هسته‌ای) و در نهایت اطمینان از صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و متقاعد کردن ایران برای انجام مذاکره بر سر محدود نمودن فعالیت‌های هسته‌ای خود، وضع و اجرا شده‌اند (عسگری، ۱۳۹۷؛ نفیو، ۱۳۹۷).

نکته حائز اهمیت در زمینه تحریم‌های فوق‌الذکر، آن است که آمریکا به‌عنوان اولین تحریم‌کننده ایران در سال‌های پس از انقلاب، اثر تحریم‌های یک‌جانبه خود را برای تحت فشار قرار دادن ایران (با توجه به این‌که تجارت میان دو کشور هیچ‌گاه به سطوح قبل از انقلاب نرسید)، ناچیز برآورد کرد و از همین رو، به‌منظور افزایش دامنه اثر تحریم‌های خود:

- اولاً باهدف قرار دادن نقطه‌ضعف بخش انرژی ایران یعنی وابستگی به حضور سرمایه‌گذاری خارجی، اقدام به اعمال تحریم‌های فراتر از مرزها (تحریم‌های ثانویه) علیه ایران نمود^۱ و از این طریق تلاش کرد شرکت‌های خارجی کشورهای ثالث را وادار به انتخاب میان ماندن در بازارهای آمریکا و یا ادامه مبادله با ایران و انجام فعالیت در بخش انرژی ایران نماید.^۲

^۱ تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ با تصویب قانون تحریم‌های ایران - لیبی یا همان قانون داماتو شکل گرفتند. این قانون به دولت آمریکا اجازه می‌داد علیه شرکت‌های کشورهای ثالث که بیش از ۴۰ میلیون دلار در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری می‌کردند، مجازات‌هایی وضع کند. این قانون در سال ۲۰۰۶، به قانون تحریم‌های ایران تغییر نام داد و مبلغ سرمایه‌گذاری در آن به ۲۰ میلیون دلار کاهش یافت (تدبیر اقتصادی، ۱۳۹۳).

^۲ البته کشورهای خارجی به‌ویژه اتحادیه اروپا تا پیش از جدی شدن موضوع هسته‌ای ایران به تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه ایران روی خوش نشان ندادند حتی به آن اعتراض هم کردند (عسگری، ۱۳۹۷)، در نتیجه همین اعتراضات، آمریکا از اعمال برخی از موارد این قانون به‌ویژه تحریم‌های بخش انرژی ایران صرف‌نظر کرد (Belfer Center, 2015)، اما در سال‌های بعد این قانون دوباره در دستور کار قرار گرفت و اجرا شد (تدبیر اقتصادی، ۱۳۹۳).

• ثانیاً با جلب شدن توجه جامعه جهانی به فعالیت‌های هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۲^۱، از فرصت استفاده کرد و با اتهام تلاش ایران برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای، در راستای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به سازمان ملل تلاش کرد^۲ (نفیو، ۱۳۹۷).

با پیگیری‌های آمریکا و اتحاد سه‌گانه اروپا (متشکل از سه کشور انگلستان، فرانسه و آلمان)، آژانس بین‌المللی اتمی، پرونده هسته‌ای ایران را در سال ۲۰۰۶، به شورای امنیت سازمان ملل فرستاد و این شورا ضمن ابراز نگرانی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، در ۳۱ جولای سال ۲۰۰۶ با صدور قطعنامه ۱۶۹۶، از ایران خواست تا ظرف ۳۰ روز، فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند، در غیر این صورت با تحریم‌های اقتصادی و سیاسی روبرو خواهد شد (آذری، ۱۳۸۷). عدم اعتنای ایران به قطعنامه فوق، موجب تصویب پنج قطعنامه دیگر و اعمال تحریم‌های اقتصادی فراگیر علیه ایران شد (جدول ۱). اتحادیه اروپا نیز که تا پیش از پیوستن به جرگه تحریم‌کنندگان، معتقد به استفاده از سیاست‌های تشویقی در قبال ایران به جای اعمال تحریم‌ها بود (قاسمی، ۱۳۹۳)، از سال ۲۰۰۷ به تبعیت از سازمان ملل، اقدام به تحریم ایران نمود. تحریم‌های این اتحادیه در سال ۲۰۱۰ پس از صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت، گسترش یافتند و در سال ۲۰۱۲ با هدف قرار دادن بخش انرژی و روابط مالی ایران به اوج خود رسیدند (جدول ۱).

^۱ «به‌دلیل انتشار برخی شواهد مبنی بر اقدام مخفیانه ایران به ساخت تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و کارخانه تولید آب سنگین در اراک و تأیید آن توسط آژانس بین‌المللی اتمی در سال ۲۰۰۴» (نفیو، ۱۳۹۷).

^۲ لازم به ذکر است که «آمریکا در همان سال ۲۰۰۴، تمایل داشت پرونده ایران به شورای امنیت ارجاع داده شود با این حال گزارش آژانس در شرایطی منتشر شد که اتحاد سه‌گانه اروپا شامل کشورهای انگلیس، آلمان و فرانسه در حال مذاکره با ایران برای توقف غنی‌سازی اورانیوم بودند. مذاکرات مذکور علی‌رغم حصول توافق مبنی بر توقف غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران و همکاری کامل تهران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ازای همکاری‌های اقتصادی اروپا، در سال ۲۰۰۵، با اعلام از سرگیری غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران به‌دلیل پایبند نبودن طرف‌های غربی به تعهداتشان، به شکست انجامید» (نفیو، ۱۳۹۷).

جدول ۱- تحریم‌های اعمال شده علیه ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی (۲۰۰۵-۱۹۷۹)

مفاد تحریم	تحریم- کننده
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۲۱۷۰: مصادره تمام دارایی‌های بانک مرکزی و دولت ایران در آمریکا (نوامبر ۱۹۷۹). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستورهای اجرایی شماره ۱۲۲۰۵ و ۱۲۲۱۱: ممنوع کردن صادرات آمریکا به ایران؛ غیرمجاز کردن هر نوع واردات از ایران به آمریکا همراه با بازداشتن شهروندان آمریکایی از انجام مبادلات مالی با ایران یا سفر به ایران (۱۹۸۰). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۲۶۱۳: دور جدید ممنوع کردن ورود کالا و خدمات دارای منشأ ایران (سال ۱۹۸۷). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۲۹۵۷: ممنوع کردن اشخاص حقیقی و حقوقی آمریکایی از سرمایه‌گذاری بر صنعت نفت و مشتقات نفتی، به جز گاز طبیعی (سال ۱۹۹۵). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۰۵۹: گسترش دامنه ۱۲۹۵۷ به هر نوع تجارت کالا و خدمات با ایران (سال ۱۹۹۷). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۳۸۲: مسدود کردن دارایی‌های اشاعه‌دهندگان سلاح‌های کشتار جمعی، شامل ۸ هویت ایرانی (سال ۲۰۰۵). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۴۳۸: مسدود کردن دارایی‌های اشخاص حقیقی و حقوقی که در بی‌ثبات کردن عراق مشارکت دارند (جولای ۲۰۰۷). 	آمریکا
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۵۷۲: مسدود کردن دارایی‌های سپاه پاسداران به خاطر حضور و کمک به نقض حقوق بشر در سوریه (آوریل ۲۰۱۱). 	(دستورهای اجرایی)
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۰: تحریم فروش تجهیزات و خدمات قابل استفاده در بخش انرژی یا پتروشیمی ایران (نوامبر ۲۰۱۱). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۵۹۹: بلوکه کردن دارایی‌های دولت ایران و نهادهای مالی ایرانی (فوریه ۲۰۱۲). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۶۰۶: بلوکه کردن دارایی‌ها و جلوگیری از ورود افراد حقیقی مشارکت‌کننده در نقض حقوق بشر توسط دولت‌های ایران و سوریه (آوریل ۲۰۱۲). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۶۲۲: تحریم خرید نفت خام و فراورده‌های پتروشیمی ایران و دادن فلزات گران‌بها به این کشور؛ تحریم معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت نفتیان؛ تحریم ارائه خدمات مالی به شرکت‌های مذکور و بانک مرکزی ایران و تحریم کمک به دسترسی ایران به دلار آمریکا (جولای ۲۰۱۲). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۶۲۸: موافقت و اجازه اعمال تحریم‌های موضوع قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه و تحریم‌های بیشتر علیه ایران (اکتبر ۲۰۱۲). 	
<ul style="list-style-type: none"> • دستور اجرایی شماره ۱۳۶۴۵: وضع برخی تحریم‌ها از جمله ممنوعیت ورود به بازارهای مالی آمریکا، در مورد مؤسسات مالی بین‌المللی که مبادلاتی با ریال را انجام می‌دادند، یا بخش قابل ملاحظه‌ای از دارایی خود را به ریال نگه می‌داشتند. کشورهای چین، هند، مالزی، جمهوری کره، سنگاپور، آفریقای جنوبی، سری لانکا و تایوان ۱۸۰ روز مهلت داشتند که خرید نفت خود را از ایران کاهش دهند (ژوئن ۲۰۱۳). 	

مفاد تحریم	تحریم- کننده
<ul style="list-style-type: none"> • قانون مدیریت صادرات آمریکا: اعلام ایران به عنوان «کشور حامی تروریسم» منجر به تحمیل تحریم‌های مصوب ذیل بند (ز) ۶ از «قانون مدیریت صادرات آمریکا» (مصوب ۱۹۷۹) علیه ایران شد. این تحریم‌ها شامل مواردی از قبیل ممنوعیت ارائه کمک‌های مالی دولت آمریکا، فروش سلاح، صادرات کالاها، خدمات و فناوری‌هایی با کاربرد دوگانه و برنامه‌های ویژه برای ایران می‌باشند (۱۹۸۴). • قانون منع گسترش سلاح‌های ایران و عراق: تحریم هویت‌هایی که برای توسعه سلاح‌های کشتار جمعی به ایران کمک کنند (سال ۱۹۹۲). • قانون تحریم‌های ایران و لیبی: تحریم بنگاه‌های خارجی شریک تجاری ایران توسط آمریکا (سال ۱۹۹۶). • قانون منع گسترش سلاح‌های ایران: کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی و دولت‌هایی که به برنامه ساخت تسلیحات کشتار جمعی ایران کمک می‌کردند در لیست تحریم‌ها قرار گرفتند (سال ۲۰۰۰). • قانون منع گسترش سلاح‌های ایران، کره شمالی و سوریه: مجازات کردن اشخاصی که برای انتقال یا کسب فناوری‌های کنترل شده تسلیحات به ایران کمک کنند (سال ۲۰۰۶). • قانون حمایت از آزادی ایران: قانونی کردن ۱۲۹۵۷، ۱۲۹۵۹ و بخش‌ها ۲، ۳ و ۵ از ۱۳۰۵۹ و اصلاح تحریم‌های سال ۱۹۹۶ برای شمول سلاح‌های شیمیایی، همراه با مجاز شمردن کمک به مخالفان دولت ایران (سال ۲۰۰۶)، از نوامبر ۲۰۰۸، مؤسسات پولی آمریکایی از حضور در مبادلات ایرانیان که به نوعی از بانک‌های غیرایرانی شروع می‌شد یا به بانک‌های غیرایرانی ختم می‌شد، ممنوع شدند. • قانون جامع تحریم، پاسخگویی و خروج سرمایه‌گذاری از ایران: تحریم شرکت‌های خارجی که بیش از ۲۰ میلیون دلار در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کنند؛ تحریم فروش محموله‌های (با ارزش بیش از ۵ میلیون دلار در سال) از فراورده‌های بنزین، سوخت هواپیما و سایر و فروش تجهیزات و خدمات یاری‌رسان به تولید یا واردات ایران؛ تحریم موسسه‌های مالی خارجی دارای روابط تجاری با سپاه پاسداران؛ تحریم واردات برخی مواد غذایی و فرش ایرانی به آمریکا (جولای ۲۰۱۲). • قانون دفاع ملی مربوط به سال مالی ۲۰۱۲: تحریم تلویحی هر بانک بین‌المللی که با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مبادلات مالی داشته باشد یا درآمدهای نفتی ایران را به این بانک واریز کند (دسامبر ۲۰۱۱). • قانون کاهش تهدید ایران و حقوق بشر سوریه: تحریم فروش بیش از یک دلار از کالاها و خدماتی توسعه‌دهنده بخش نفت و گاز به ایران؛ تحریم فروش بیش از ۲۵۰ هزار دلار از کالاها و خدماتی یاری‌رسان به ایران برای حفظ یا توسعه سطح تولید فراورده‌های پتروشیمی؛ تحریم نمایندگی‌های بنگاه‌های آمریکایی در خارج از خاک آمریکا در مورد داشتن ارتباط با ارائه خدمات به ایران شامل پذیره‌نویسی، بیمه کشتی‌ها، انجام خدمات مالی در مورد وام‌های مربوط به دولت ایران؛ بسط تحریم‌های مربوط به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، تحریم‌های شرکت‌های مرتبط با سپاه پاسداران، تحریم ناقضان حقوق بشر در ایران و سوریه (آگوست ۲۰۱۲). • قانون مجاز کردن دفاع ملی مربوط به سال مالی ۲۰۱۳: مصادره دارایی‌ها و وضع تحریم بر اشخاص ارائه‌دهنده کالا و خدمات به بخش‌های انرژی، کشتی‌سازی، بنادر ایران و یا خدمات بیمه‌ای و بانکی با استفاده از شبکه‌های مربوط به آمریکا به ایران (به جز کشورهایی دارای مجوز خرید نفت از ایران)؛ تحریم فروش فلزات گران‌بها، فلزات نیم‌ساخته و نرم‌افزارهای مربوط به یکپارچه‌سازی فرایندهای صنعتی به ایران، تحریم صداوسیما ایران (ژانویه ۲۰۱۳). 	<p>آمریکا (قوانین کنگره)</p>

مفاد تحریم	تحریم-کننده
<ul style="list-style-type: none"> ● قطعنامه ۱۶۹۶ (۳۱ جولای سال ۲۰۰۶): با ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت، این شورا با ابراز نگرانی در خصوص فعالیت‌های هسته‌ای ایران، در ۳۱ جولای سال ۲۰۰۶ اقدام به صدور قطعنامه ۱۶۹۶ کرد و ضمن درخواست از کشورها برای هوشیاری و جلوگیری از انتقال مواد موردنیاز برای اهداف هسته‌ای و موشک‌های بالستیک به ایران، از ایران خواست ظرف ۳۰ روز، فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند، در غیر این صورت با تحریم‌های اقتصادی و سیاسی روبرو خواهد شد. ● قطعنامه ۱۷۳۷ (۲۳ دسامبر سال ۲۰۰۶): دومین قطعنامه ضمن تأکید بر مفاد قطعنامه قبلی، حاوی اولین دور از تحریم‌ها (از جمله تحریم تجارت با ایران در زمینه مواد، اقلام و فن‌آوری‌های مربوط به صنعت هسته‌ای و مسدودسازی دارایی‌های افراد و شرکت‌های درگیر در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران) و یک پیوست شامل نام ۱۰ نهاد و ۱۲ فرد درگیر در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران بود. ● قطعنامه ۱۷۴۷ (۲۴ مارس سال ۲۰۰۷): سومین قطعنامه که در ادامه قطعنامه‌های قبلی به تصویب رسید شامل اقدامات تنبیهی شدیدتر و گسترده‌تر (از جمله ممنوعیت صادرات سلاح یا فناوری مرتبط با سلاح‌های کشتار جمعی از ایران به سایر کشورها؛ ممنوعیت صادرات و واردات سلاح‌های سنگین به ایران و یا از ایران؛ درخواست از کشورها و مؤسسات مالی بین‌المللی برای عدم ارائه کمک مالی و وام جدید به ایران؛ گسترش لیست افراد و سازمان‌های تحریم شده) بود. در پیوست اول این قطعنامه نام ۱۳ نهاد و ۱۸ فرد مورد تحریم و در پیوست دوم آن عناصر یک توافق بلندمدت و ارائه بسته‌های تشویقی برای ایران در حوزه‌های هسته‌ای، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی اعلام شد. ● قطعنامه ۱۸۰۳ (۳ مارس ۲۰۰۸): در چهارمین قطعنامه ضمن ممنوعیت صادرات کالاهای با قابلیت استفاده دوگانه به ایران؛ صدور اجازه بازرسی از محموله‌های دریایی و هوایی به مقصد ایران؛ درخواست از کشورها برای عدم صدور ویزا به مقامات ارشد اتمی ایران، احتیاط در خصوص اعطای اعتبارات و تسهیلات تجاری به بخش خصوصی برای مبادلات بازرگانی با ایران و احتیاط در همکاری مؤسسات مالی آن‌ها با بانک‌های ایرانی به خصوص بانک‌های صادرات، ملی و شعب خارجی آن‌ها، نام ۱۲ شرکت و ۱۳ مدیر ارشد تأسیسات هسته‌ای ایران به فهرست تحریم‌ها اضافه شد. ● قطعنامه ۱۸۳۵ (۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸): پنجمین قطعنامه حاوی تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران نبود و فقط از ایران خواست چهار قطعنامه پیشین شورای امنیت را هرچه سریع‌تر اجرا کند. این قطعنامه، در شرایطی صادر شد که ۵ عضو دائم شورای امنیت و آلمان (گروه ۵+۱) بسته‌ای حاوی مشوق‌های اقتصادی و فنی به ایران ارائه داده بودند که در ازای دریافت آن ایران می‌بایست به غنی‌سازی اورانیوم پایان می‌داد. ● قطعنامه ۱۹۲۹ (۹ ژوئن ۲۰۱۰): ششمین قطعنامه در واکنش به غنی‌سازی ۲۰ درصدی توسط ایران صادر شد. این قطعنامه ضمن تأیید تحریم‌های اعمال شده در قطعنامه‌های پیشین، تحریم‌های تازه‌ای علیه ایران برقرار کرد که به‌طور مشخص سپاه پاسداران و شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران را هدف قرار داد. در این قطعنامه نام ۲۲ شرکت، ۱ فرد و نام ۳ شرکت وابسته یا زیرمجموعه کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران به لیست تحریم‌ها اضافه شد، همچنین بسته‌های تشویقی برای ایران در حوزه‌های هسته‌ای، سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی نیز ارائه گردید. 	<p>سازمان ملل (قطعنامه- های شورای امنیت)</p>

مفاد تحریم	تحریم-کننده
<ul style="list-style-type: none"> • خودداری از ارسال برخی تجهیزات و فناوری‌ها به ایران (که ممکن بود به پیشبرد اهداف موشکی یا هسته‌ای آن کمک کنند) (فوریه ۲۰۰۷). • منع بانک‌های ایرانی از تأسیس شعب در اتحادیه اروپا و ارتباط با بانک‌های این حوزه؛ ممنوعیت خرید و فروش اوراق قرضه عمومی توسط دولت یا بانک‌های ایران؛ ممنوعیت بیمه یا تمدید بیمه نهادهای مرتبط با دولت ایران؛ الزام انتقال مبلغ بیش از ۱۰ هزار یورو با اطلاع قبلی و اخذ مجوز برای انتقال بیش از ۴۰ هزار یورو؛ ممنوعیت تجارت کالاهای با قابلیت مصرف دوگانه، تجهیزات نظامی و اقلام مرتبط با انرژی هسته‌ای با ایران؛ ممنوعیت صادرات تجهیزات نظامی و اقلام مرتبط با انرژی هسته‌ای؛ ممنوعیت صادرات تجهیزات کلیدی و تکنولوژی برای تولید، استخراج و پالایش نفت و گاز طبیعی؛ ممنوعیت کمک‌های فنی مهندسی، آموزش و تأمین مالی بخش انرژی ایران؛ ممنوعیت دسترسی محموله‌های هوایی ایران به فرودگاه‌های اتحادیه اروپا و نیز سوخت‌گیری، ممنوعیت ارائه خدمات به کشتی‌های ایرانی و سایر کشتی‌های ناقض تحریم‌ها (جولای ۲۰۱۰). • مسدودسازی دارایی‌های افراد ناقض حقوق بشر در ایران و جلوگیری از سفر آن‌ها به اروپا (آوریل ۲۰۱۱). • خودداری از عقد قرارداد جدید برای خرید نفت از ایران و کاهش خرید نفت در قراردادهای موجود تا صفر شدن خرید نفت کشورهای عضو اتحادیه از ایران؛ ممنوعیت ارائه خدمات بیمه به کشتی‌های حامل نفت یا فراورده‌های پتروشیمی ایران؛ توقف تمام معاملات طلا، فلزات گران‌بها، الماس و فراورده‌های پتروشیمی با ایران؛ مسدود کردن دارایی‌های بانک مرکزی ایران (البته معاملات تجاری، در صورت دریافت مجوز همچنان امکان‌پذیر بود). (ژانویه ۲۰۱۲). • قطع ارائه خدمات سرویس (SWIFT)^۱ به بانک‌های ایرانی (مارس ۲۰۱۲). • ممنوعیت: انجام مبادله بین بانک‌های اروپایی و تمام بانک‌های ایرانی، مگر با صدور مجوز ویژه؛ ارائه خدمات کوتاه‌مدت اعتباری، تضمین اعتبار و بیمه برای ایران؛ واردات گاز طبیعی از ایران باهدف متوقف کردن تلاش ایران برای توسعه صادرات گاز به اروپا؛ صادرات گرافیت، فلزات نیمه‌ساخته مانند آلومینیوم و آهن و نرم‌افزارهای صنعتی به ایران؛ ارائه فناوری کشتی‌سازی، ذخیره نفت و خدمات استفاده از پرچم یا ثبت کشتی در کشورهای اروپایی برای نفت‌کش‌ها و کشتی‌های حمل بار ایرانی. مسدود کردن دارایی‌های چند شرکت ایرانی که در حمل سلاح به سوریه نقش داشته‌اند یا از فعالیت‌های کشتیرانی شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی کرده‌اند (به‌عنوان مثال قطع رابطه تجاری با شرکت مدیریت بنادر تایدوایر خاورمیانه) (اکتبر ۲۰۱۲). 	<p>اتحادیه اروپا</p>

¹ Society Worldwide for Interbank Financial Telecommunication

شایان ذکر است که سویفت یک سامانه الکترونیکی پیام مالی است که در فقدان آن تجارت جهانی و سرمایه‌گذاری کندتر، پرهزینه‌تر و غیرقابل اعتمادتر می‌شود.

مفاد تحریم	تحریم-کننده
<ul style="list-style-type: none"> • اعمال تحریم‌هایی مشابه با تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران در بخش‌های تجارت، بانکداری و انرژی علیه ایران (سپتامبر ۲۰۱۰). • اعمال تحریم‌هایی در زمینه فروش تجهیزات به بخش انرژی ایران به پیروی از آمریکا (۲۰۱۱) • کاهش واردات نفت خام از ایران به منظور برخورداری از معافیت از تحریم‌های آمریکا و حفظ آن • پرداخت پول نفت خریداری شده از ایران به پول ملی خود و نگهداری از آن در حساب‌هایی در داخل کشور خود 	<p>ژاپن و کره جنوبی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اعمال تمام تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و عدم تمایل به پیروی از تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا • کاهش روابط اقتصادی با ایران در سال ۲۰۱۰ • تسویه ۵۰ درصد از خرید نفت از ایران بر اساس روپیه (واحد پول هند) • انجام مبادلات تهاتری در زمینه گندم، برنج، قند، دانه‌های سویا، قطعات خودرو، دارو و سایر کالاها با ایران • کاهش سهم واردات نفت این کشور از ایران از ۱۶ درصد در سال ۲۰۰۸ به ۱۰ درصد در پایان سال ۲۰۱۲ و به ۶ درصد در اواسط سال ۲۰۱۳ • کاهش ۲۷ درصدی واردات هند از ایران • خروج از پروژه خط لوله گاز ایران به پاکستان (سال ۲۰۰۹) 	<p>هند</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اعمال تحریم‌های سازمان ملل • به‌عنوان یکی از سرمایه‌گذاران و مجریان اصلی اجرای پروژه‌های بزرگ در ایران همواره سعی در تحمیل حداقلی تحریم‌ها و حمایت از ایران داشته است. 	<p>روسیه</p>
<ul style="list-style-type: none"> • کاهش ۲۱ درصدی واردات نفت از ایران در سال ۲۰۱۳ نسبت به سال ۲۰۱۱ • تعلیق بسیاری از سرمایه‌گذاری‌های خود در بخش انرژی ایران • تسویه تراز تجاری خود با ایران از طریق صادرات کالاها (مانند فروش خودروی چینی و یا فروش واگن به متروی تهران) 	<p>چین</p>
<ul style="list-style-type: none"> • کمک به تأمین کمبود عرضه بازار نفت برای ثابت نگه داشتن قیمت جهانی نفت به دلیل کاهش صادرات نفت ایران به ویژه از سوی عربستان • تلاش برای جلوگیری از صادرات مجدد فناوری‌های آمریکایی به ایران و قطع روابط بانکی با ایران 	<p>کشورهای حاشیه خلیج فارس</p>
<ul style="list-style-type: none"> • پیروی از تحریم‌های سازمان ملل • کاهش واردات نفت از ایران به منظور برخورداری از معافیت از تحریم‌های آمریکا 	<p>ترکیه</p>

منابع: مختاری، ۱۳۹۴؛ خلعتبری، ۱۳۹۷؛ عسگری، ۱۳۹۷؛ گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا در مورد تحریم‌های ایران Spider Web, 201؛ Katzman, 2018؛ ۲۰۱۳

۴- آثار و تبعات اقتصادی تحریم‌ها در ایران

همان‌طور که پیش‌تر عنوان شد، از سال ۲۰۰۶ به بعد علاوه بر ایالات متحده آمریکا، سازمان ملل متحد و سایر کشورها، تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کردند که این تحریم‌ها از سال ۲۰۱۱ به بعد شدت گرفته است.

در این تحریم‌ها، با آگاهی از ویژگی‌ها و نقاط ضعف اقتصاد ایران، گلوگاه اصلی اقتصاد یعنی نفت و درآمدهای ناشی از صادرات منابع نفتی هدف قرار داده شده است. این امر از طریق تحریم‌های مستقیم صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی، واردات تجهیزات و فناوری‌های موردنیاز تولید این محصولات صادراتی و تحریم بخش مالی کشور (به صورت خاص تحریم بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران) اتفاق افتاده است. از آنجاکه یکی از مهم‌ترین نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد ایران، وابستگی قابل توجه اقتصاد و درآمدهای ایران به صادرات منابع نفتی است، تحریم این بخش می‌تواند به شدت کشور را شکننده سازد. در ادبیات تاب‌آوری^۱ عنوان می‌شود که وابستگی حداقل نیمی از صادرات یک کشور به یک محصول خاص در صورت ایجاد اخلاص در صادرات آن محصول، همانند تحریم، می‌تواند پیامدهای منفی اقتصادی از قبیل کاهش درآمدهای ارزی، تولید و اشتغال را در پی داشته باشد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳). بر اساس آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۹۶، ۵۴٫۸ درصد از درآمدهای دولت از محل فروش نفت و فرآورده‌های نفتی تأمین شده است. همچنین طی سال‌های ۹۶-۱۳۹۰ متوسط ارزش صادرات نفتی از کل ارزش صادرات ایران (فوب) ۶۸٫۸ درصد بوده است. علاوه بر آن صادرات غیرنفتی نیز تا حد بسیاری وابسته به منابع است. بر اساس آمارهای منتشر شده توسط سازمان توسعه تجارت، در سال ۱۳۹۶، ۴۷٫۵ درصد از صادرات غیرنفتی، صادرات پتروشیمی، گاز و میعانات گازی بوده است. این وابستگی شدید به صادرات منابع نفتی و فرآورده‌های آن سبب شده است تاکنون شوک‌های نفتی و ارزی بارها اقتصاد ایران را متأثر بسازد.

تحریم‌های مالی ایران نیز با در نظر گرفتن همین نقطه آسیب‌پذیری اقتصاد ایران یعنی وابستگی به صادرات و درآمدهای ناشی از فروش منابع نفتی صورت گرفته است. گرچه این درآمدها به صورت مستقیم از طریق تحریم صادرات منابع نفتی مورد هدف قرار گرفته‌شده‌اند، ولی تحریم‌های مالی حربه دیگری است که می‌تواند دسترسی ایران به منابع حاصل از فروش نفت را محدود کند.

^۱ تاب‌آوری که در ایران با اصطلاح اقتصاد مقاومتی شناخته می‌شود در گزارش توسعه جهانی در سال ۲۰۱۴ "توانایی مردم، جوامع و کشورها برای بازیابی از شوک‌های منفی درعین حال حفظ یا بهبود (توانایی) آن‌ها در عملکرد" تعبیر شده است. همچنین آژانس توسعه بین‌المللی ایالت متحده در سال ۲۰۱۳ تاب‌آوری را این‌گونه تعریف کرده است: "توانایی مردم، خانوارها، جوامع، کشورها و سیستم‌ها برای کاهش اثرات شوک‌ها، انطباق یافتن (سازگاری) با شرایط و بهبودی از شوک‌ها به شکلی که آسیب‌پذیری‌های مزمن را کاهش و رشد فراگیر را تسهیل نماید".

برای تحریم کنندگان ایران، بهره‌گیری از تحریم‌های مالی می‌تواند بهتر از تحریم صادرات باشد. در تحریم صادرات منابع نفتی، این امکان وجود دارد که با حذف ایران از بازار نفت بین‌المللی، این بازار دست‌خوش تغییراتی از جمله افزایش قیمت نفت شود ولی هنگامی که با تحریم مالی دسترسی ایران به منابع حاصل از فروش نفت کاهش می‌یابد، بازار نفت بین‌المللی کمتر دچار شوک می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰).

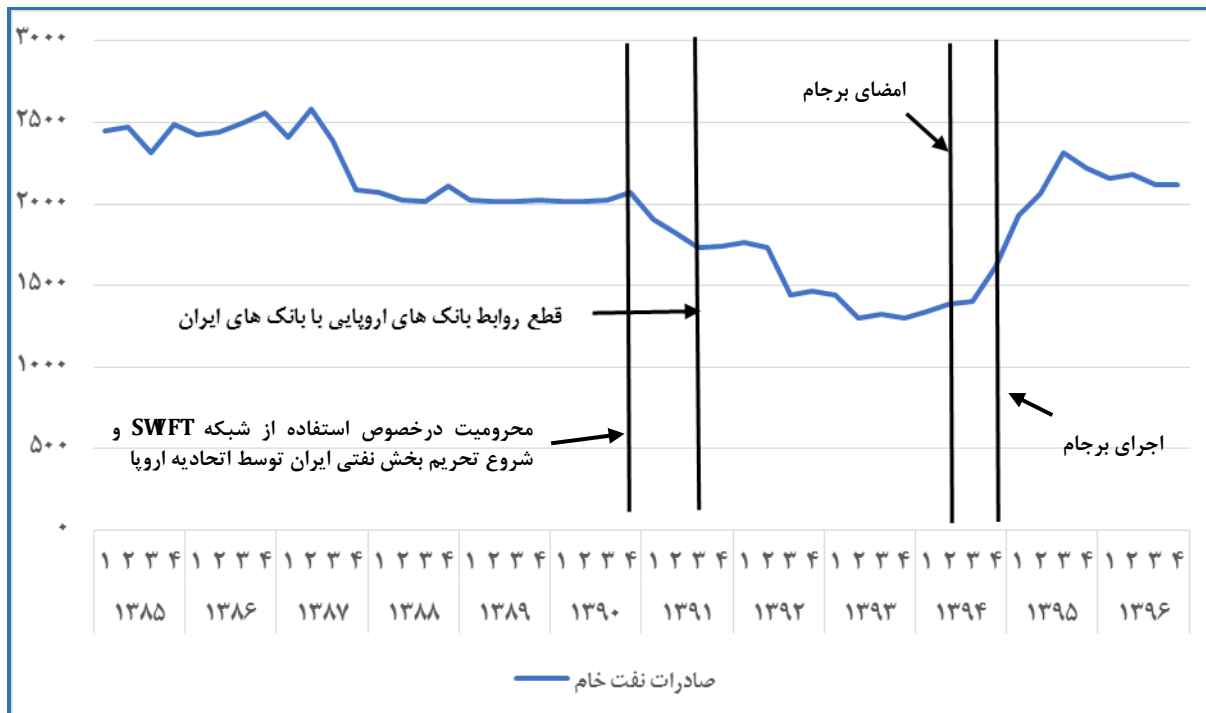
تحریم‌های مالی در کنار تحریم‌های صنعت نفت می‌تواند شدت اثر بیشتری بر اقتصاد ایران داشته باشد. منبع اصلی تأمین ارز ملی، صادرات منابع نفتی و درآمدهای ناشی از آن است. قطع دسترسی نظام مالی ایران به نظام مالی بین‌المللی می‌تواند به ایجاد شوک ارزی در اثر کاهش منابع ارزی منجر شود. در ادامه به بررسی پیامدهای ناشی از تحریم‌ها علیه ایران اشاره خواهد شد.

۴-۱- کاهش تولید و صادرات نفت

در سال‌های یک‌جانبه بودن تحریم‌های آمریکا، از آنجایی که مراودات تجاری ایران با آمریکا قابل توجه نبود و ایران به علت عمق و گستردگی اندک تحریم‌ها، همچنان امکان فروش نفت به سایر کشورها را داشت، درآمدهای نفتی، کاهنده و جبران‌کننده اثر تحریم‌ها بود. دولت به یمن وجود این درآمدها (و همچنین در مقطعی از تاریخ افزایش قیمت نفت) می‌توانست خلأهای ناشی از تحریم‌ها در حوزه‌هایی همچون صادرات و تولید را پر کند. اما هدف قرار دادن فروش نفت و کسب درآمدهای نفتی و همچنین همراه شدن اتحادیه اروپا و سایر کشورها با آمریکا در تحریم‌های ایران، کارایی این ابزار کاهنده تحریم‌ها را کاهش داده است. بر اساس آمار بانک مرکزی، میزان صادرات نفت خام ایران در زمستان سال ۱۳۹۰ زمانی که اتحادیه اروپا تحریم بخش نفتی ایران را شروع کرد و همچنین ارتباط مالی ایران با SWIFT قطع شد، رقم ۲ میلیون بشکه در روز بود که به رقم ۱,۴ میلیون بشکه در روز در پاییز ۱۳۹۲ در زمان شروع مذاکرات ژنو کاهش پیدا کرد؛ به عبارت دیگر طی دوره مذکور صادرات نفت ایران ۳,۳ درصد کاهش داشته است.

به‌طور کلی متوسط سالانه صادرات نفت خام در طی ۴ سال منتهی به سال ۱۳۹۴ (حدود ۱۵۰۰ هزار بشکه) به نسبت ۴ سال منتهی به سال ۱۳۹۰ (حدود ۲۱۰۰ هزار بشکه) معادل ۲۷,۰۶ درصد کاهش داشته است.

نمودار ۱- صادرات نفت خام ایران طی سال های ۹۶-۱۳۸۵ (هزار بشکه در روز)



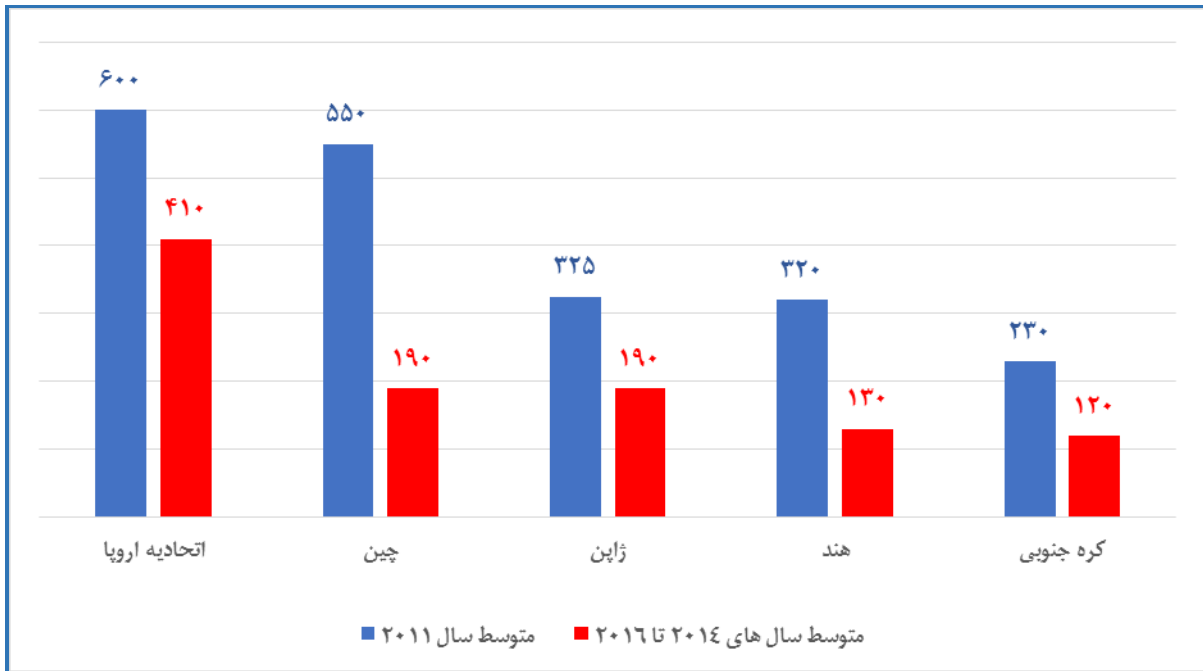
منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

بر اساس گزارش رصد اقتصادی ایران^۱ که در سال ۲۰۱۶ توسط بانک جهانی منتشر شده است، تحریم های مالی در کنار تحریم صادرات نفت ایران سبب شد که درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت ایران طی سال های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ روند نزولی پیدا کند و به ترتیب به میزان ۹۳، ۵۲،۷ و ۴۳،۹ میلیارد دلار برسد؛ به عبارت دیگر در سال ۲۰۱۲ به میزان ۴۳،۳ درصد و در سال ۲۰۱۳ به میزان ۱۶،۷ درصد کاهش داشته است. این در حالی است که طی سال های مذکور بهای نفت خام ایران بالای ۱۰۰ دلار به ازای هر بشکه بوده که در تاریخ فروش نفت خام ایران بی سابقه بوده است (World Bank, 2016).

در ادامه و در طی دوره مذاکرات ژنو که تقریباً ۲۲ ماه به طول انجامید، روند کاهش صادرات نفتی در ابتدا استمرار داشته و سپس تا حدودی بهبود یافته است. بر اساس آمار بانک مرکزی، طی این دوره صادرات نفت خام ایران تا میزان ۱۳۰۰ بشکه در روز در تابستان ۱۳۹۳ کاهش یافت. در پی توافق ژنو در بهار ۱۳۹۴ روند افزایشی صادرات نفت خام ایران شروع و با اجرای برجام شدت گرفت و تا میزان ۲۳۰۰ هزار بشکه در روز در پاییز ۱۳۹۵ افزایش داشته است. متأسفانه این روند افزایشی از پاییز ۱۳۹۵ به بعد جهت عکس به خود گرفت. در نمودار ۲ میزان کاهش صادرات نفت خام (شامل میعانات گازی) به ۵ مقصد صادراتی اصلی ایران نشان داده شده است.

^۱ Iran Economic Monitor: Seizing The Opportunity.

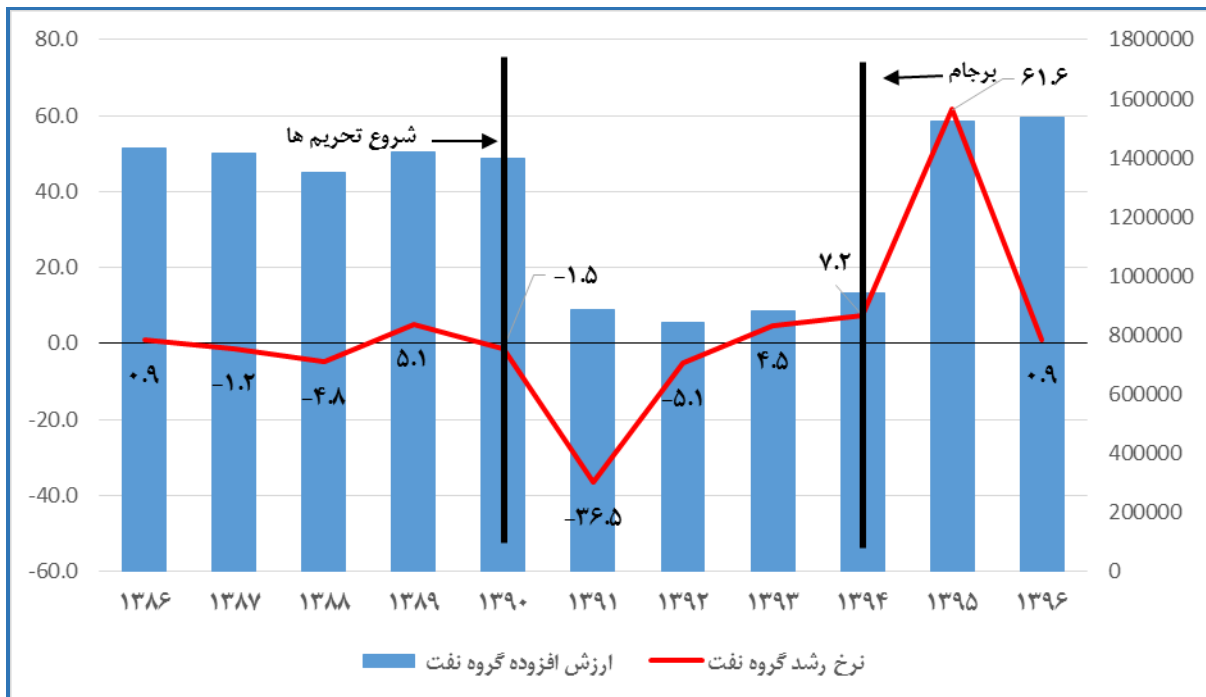
نمودار ۲- تغییرات صادرات نفت خام ایران (شامل میعانات گازی) به ۵ مقصد صادراتی اصلی ایران (هزار بشکه در روز)



Source: Katzman, K. (2018, June 29). Iran Sanctions. Retrieved from Congressional Research Service: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>

کاهش صادرات نفت، منجر به کاهش تولیدات نفت و در نتیجه کاهش نرخ رشد و ارزش افزوده گروه نفت در ایران شد. متوسط ارزش افزوده سالانه گروه نفت به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰، در ۴ سال منتهی به سال ۱۳۹۴، ۸۸۷،۹ هزار میلیارد ریال معادل ۶۴ درصد متوسط ارزش افزوده سالانه گروه نفت در سال‌های ۹۰-۱۳۸۷، (۱۳۹۵،۶ هزار میلیارد ریال) بوده است.

نمودار ۳- ارزش افزوده و رشد گروه نفت طی سال های ۹۶-۱۳۸۶ (میلیارد ریال-درصد) (سال پایه ۱۳۹۰)



منبع: محاسبات نگارنده بر حسب داده های بانک مرکزی ج.ا.ا.

۴-۲- ایجاد تنش و نوسان در بازار ارز

همان طور که پیش تر نیز عنوان شد، از جمله نقاط آسیب پذیری اقتصاد ایران، وابستگی درآمدی دولت به درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت است. شوک های نفتی و ارزی بارها از طریق این مجرای آسیب پذیری، اقتصاد ایران را دچار مشکل ساخته اند. به نظر می رسد تحریم کنندگان ایران با علم به این نقطه ضعف، صادرات نفت و فراورده های نفتی و همچنین درآمدهای ارزی آن را از طریق تحریم صادرات این محصولات و تحریم بانک مرکزی ایران مورد هدف قرار داده اند.

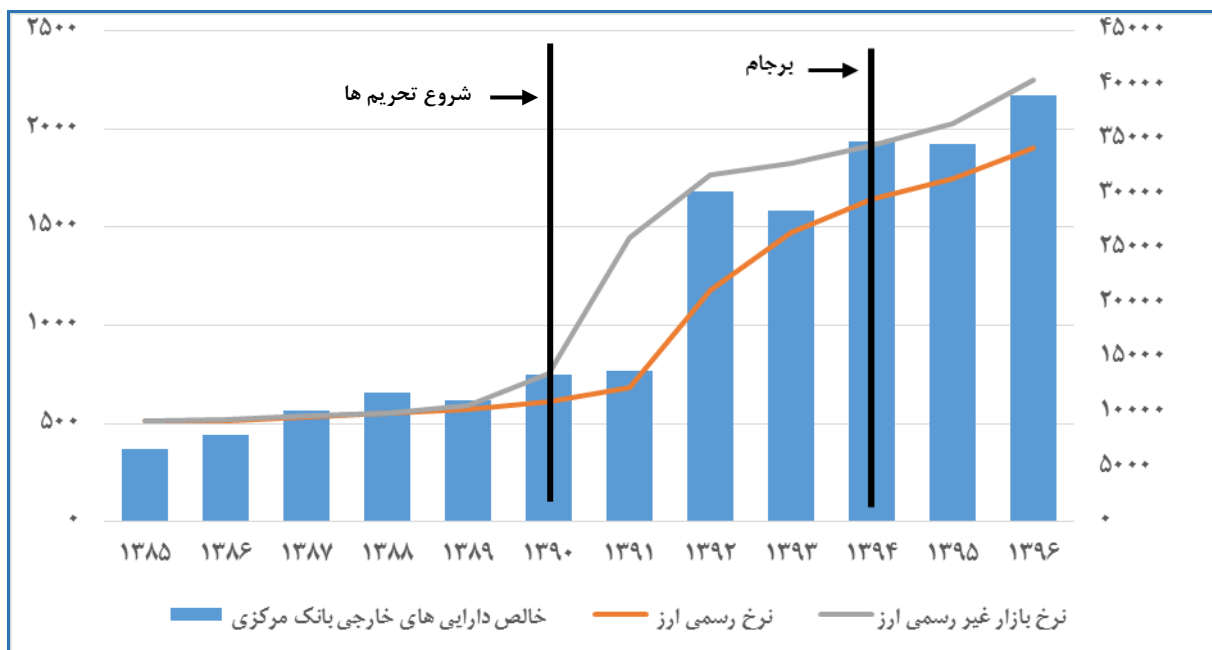
شوک ها و نوسانات ارزی می توانند به شدت فعالیت بخش های تولیدی را تحت تأثیر قرار دهند. وابستگی بخش عمده ای از تولید کشور به واردات مواد اولیه، واسطه ای و سرمایه ای سبب شده است که با بالا رفتن نرخ ارز هزینه تولید برای تولیدکنندگان افزایش و سودآوری کاهش یابد. لذا از توان تولیدی آن ها کاسته شده و در پی آن، توان رقابت تولید داخلی نیز کاهش می یابد. این امر توجیه پذیری سرمایه گذاری و افزایش ظرفیت تولید را نیز تحت الشعاع خود قرار می دهد.

از طرفی در پی تحریم مالی، "تولیدکنندگانی که منابع خود را از طریق فاینانس و یوزانس تأمین می کنند، با تنگنا مواجه شده و همچنین چون قادر به تحویل کالاهای تولیدی خود در زمان مشخص نیستند، در

تعهدات خود به مشتریان و بازپرداخت وامها و تسهیلات داخلی نیز با مشکل روبرو می‌شوند. در نتیجه منابع مالی داخلی نیز با افزایش مطالبات به کاستی می‌گیرند" (معظمی، ۱۳۹۱).

طی سال‌های منتهی به سال ۱۳۹۰، روند کلی افزایشی درآمدهای نفتی دولت سبب ایجاد روند صعودی باثبات در دارایی‌های خارجی بانک مرکزی شد. در پی اعمال تحریم‌های بین‌المللی، ارزش دلاری درآمدهای نفتی کشور کاهش یافت و به صورت هم‌زمان دسترسی بانک مرکزی به دارایی‌های خارجی خود محدود شد. لذا بانک مرکزی به عنوان بزرگ‌ترین عرضه‌کننده ارز، توانایی خود در کنترل نوسانات نرخ ارز را از دست داد که منجر به افزایش نرخ ارز شد (معظمی، ۱۳۹۱). ضمن آنکه در سال‌های تحریم زمان انتقال درآمدهای ارزی به حساب بانک مرکزی نیز افزایش یافت. به‌گونه‌ای که در ابتدا ارز حاصل از صادرات نفت خام در بازه یک‌ماهه به حساب بانک مرکزی واریز می‌شد که این مدت به ۵ ماه در سال ۱۳۹۴ افزایش یافت. این امر سبب کاهش توانایی بانک مرکزی در مدیریت بازار ارز شد (زهایی، ۱۳۹۴).

نمودار ۴- نرخ ارز در بازار رسمی و غیررسمی و خالص دارایی‌های خارجی بانک مرکزی طی سال‌های ۹۶-۱۳۸۵ (ریال-هزار میلیارد ریال)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

میزان افزایش نرخ ارز رسمی طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۰ به ترتیب ۶، ۱۱،۸، ۷۳،۴، ۲۴،۷ و ۱۱،۶ درصد بوده است. نرخ ارز در بازار غیررسمی نیز طی سال‌های مذکور به ترتیب به میزان ۲،۸، ۹۲،۱، ۲۲،۲، ۳ و ۵،۲ درصد افزایش یافته است.

در کشوری که تولید به شدت به واردات وابسته است، افزایش نرخ ارز به معنی فشار فزاینده به بخش‌های تولیدی است. طی دوره مذکور یکی از عمیق‌ترین رکودها را تجربه کردیم که یکی از علل آن افزایش‌های نرخ ارز بوده است.

۳-۴- اخلاف در عملکرد نظام بانکی ایران

تحریم‌های بانکی با قطع کردن و یا محدود کردن روابط بین‌المللی اکثر بانک‌ها و مؤسسات مالی ایران، سبب شدند که مبادلات پولی بین‌المللی ایران از طریق بازار غیررسمی و چندین واسطه صورت پذیرد که این امر هزینه مبادلات و همچنین ریسک ناشی از آن‌ها را به شدت افزایش داد.

"افزایش نرخ حق بیمه تسهیلات، افزایش نرخ تنزیل اسناد ایران در بانک‌های خارجی، افزایش کارمزدهای بانکی پرداختی در مراودات با بانک‌های خارجی، افزایش هزینه خرید از واسطه‌ها، افزایش هزینه کارمزد گشایش اعتبارات اسنادی و درنهایت هزینه‌های جایگزینی کارگزاران بانکی، از جمله مواردی هستند که بانک‌های تحریم شده با آن مواجه بودند" (طاهر پور، ۱۳۹۶).

تحریم‌ها سبب شد که ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، ایران را از بهره‌گیری از خدمات پیام‌رسان‌های مالی سوئیفت (SWIFT) و روترز بازدارند. در نتیجه بانک‌های ایرانی به ناچار سراغ روش‌های قدیمی ارسال پیام نظیر تلکس رمزار و فکس رفتند. این امر برای بانک‌ها هزینه و ریسک بیشتری را به همراه داشت. ضمن آنکه در مواردی بانک‌ها شاهد تأخیر در پیام‌رسانی بودند^۱. همچنین تحریم بانک‌ها بر سودآوری و ریسک اعتباری بانک‌ها اثر منفی گذاشت و توانایی ایفای نقش اصلی آن‌ها یعنی تأمین مالی تولید و سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار داد (طاهر پور، ۱۳۹۶).

از آنجایی که بانک‌ها نقش واسطه را در مراودات و معاملات بین‌المللی و تأمین مالی تولید و سرمایه‌گذاری بازی می‌کنند، این اخلاف در عملکرد بین‌المللی بانک‌ها، بخش تولیدی کشور را تحت تأثیر قرار داد. به‌عنوان مثال، بهره‌گیری از اعتبارات اسنادی، از راه‌های رایج تولیدکنندگان و تجار برای واردات از سایر کشورها است که بدون وجود پشتوانه بانکی در کشور واردکننده و صادرکننده ممکن نیست. لذا در فقدان پشتوانه بانکی، دست‌اندرکاران واردات ایرانی با مانع جدی روبرو و در نتیجه هزینه‌های تأمین مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای به شدت افزایش یافته است (وصالی، ۱۳۸۹).

^۱ <http://www.mbri.ac.ir>

گرچه در پی برجام تا حدودی از میزان مشکلات بخش بانکی کاسته شد ولی پس از برجام نیز برخی از بانک‌های جهانی در ورود به بازار ایران، احتیاط کرده‌اند. از جمله دلایل این امر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نگرانی‌ها مبنی بر امکان تحریم نقل و انتقالات مالی با بانک‌های ایرانی توسط ایالات متحده تحت بندهایی از تحریم‌ها که باقی مانده‌اند؛
۲. عدم شفافیت بخش مالی ایران و کم‌کاری در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم؛
۳. نگرانی به دلیل مجازات‌های مالی که بانک‌ها در گذشته به دلیل نقل و انتقالات مالی با ایران، در سیستم مالی ایالات متحده متحمل شده‌اند؛
۴. تحمل هزینه‌ها و رویه‌های اضافی در نقل و انتقالات مالی به دلیل عدم امکان پردازش معاملات مالی با ایران از طریق سیستم مالی ایالات متحده یا امکان استفاده از دلار (Katzman, 2018)

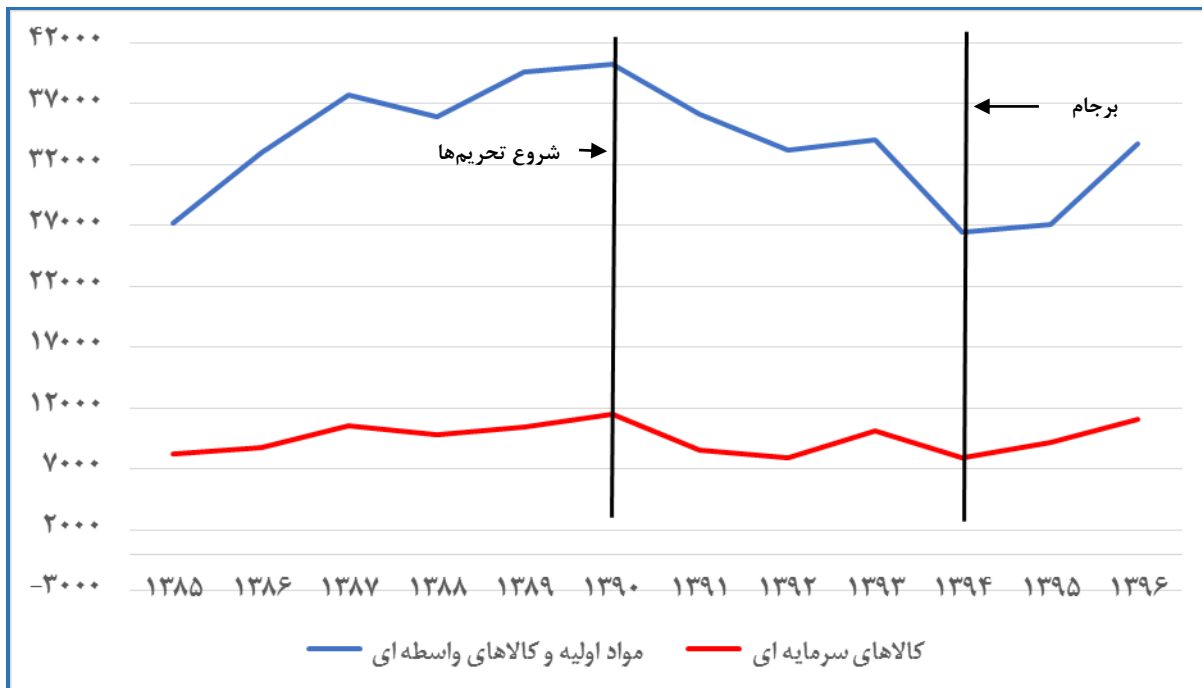
در اکتبر ۲۰۱۶، وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد برخی از معاملات مالی به دلار میان ایران و مؤسسات مالی خارج از آمریکا امکان‌پذیر است. با این حال، گزارش‌ها حاکی از آن است که بانک‌های بزرگ اتحادیه اروپا همچنان از معامله با ایران ناتوان‌اند، زیرا بیشتر نقل و انتقالات مالی باید به سیستم مالی آمریکا ورود پیدا کنند که برابر با تحریم‌های آمریکا این امکان در هیچ زمانی میسر نگردید (همان).

۴-۴- کاهش واردات مواد اولیه، کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای

اعمال تحریم‌ها از یک‌سو بیشتر به علت ایجاد موانع در گشایش ال‌سی و نقل و انتقال مالی و اخلاف در انجام سوئیفت سبب کاهش میزان واردات و از سوی دیگر به علت افزایش هزینه‌های مبادله ناشی از دور زدن تحریم‌ها سبب افزایش هزینه واردات شد.

همان‌طور که در نمودار ۵ مشاهده می‌شود گرچه روند واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای تا پیش از سال ۱۳۹۰ یک روند صعودی بوده است ولی با شروع تحریم‌ها روند نزولی به خود گرفت. به‌گونه‌ای که بر اساس آمار بانک مرکزی، واردات "مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای" و "کالاهای سرمایه‌ای" به ترتیب طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۱، ۲۶،۶ و ۷،۴ درصد کاهش داشته‌اند.

نمودار ۵- واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای طی سال‌های ۹۶-۱۳۸۵ (میلیون دلار)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

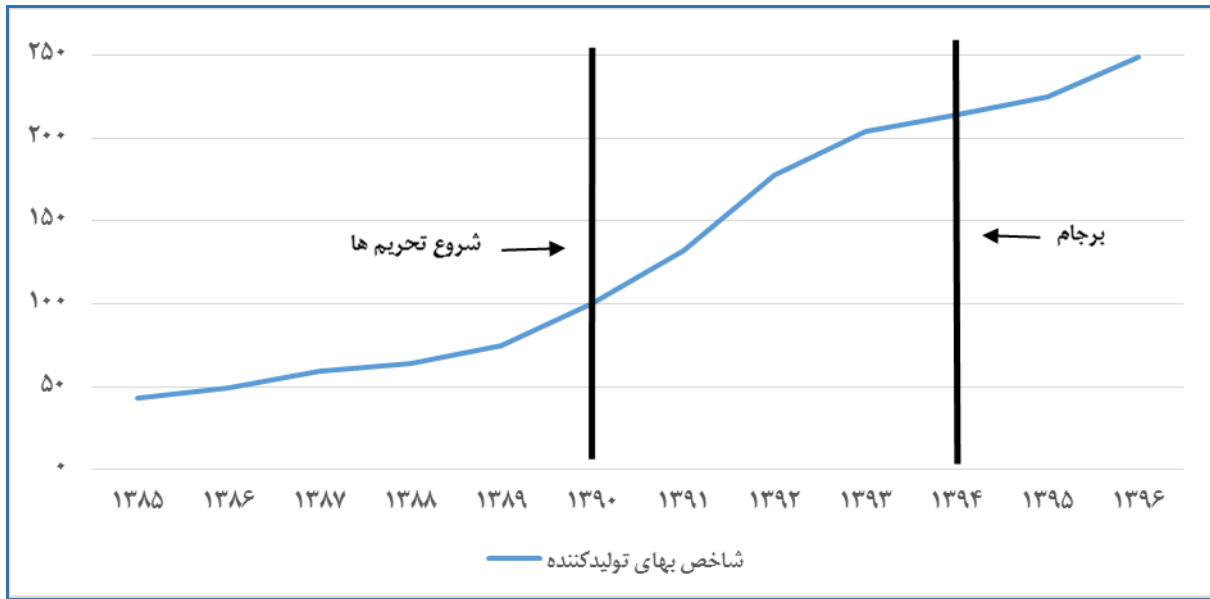
طی سال‌های تحریم، واردات کالاهای صنعتی نیز دست‌خوش تغییر شد. بر اساس گزارشی از مرکز پژوهش‌های مجلس، همواره سهم واردات صنعتی^۱ از کل واردات کشور، میزان قابل توجهی (۸۰ تا ۹۰ درصد) بوده که در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ کاهش داشته است. این در حالی است که طی سال‌های منتهی به سال ۱۳۹۰ واردات صنعتی ایران همواره دارای رشد مثبت بوده است. در سال ۱۳۹۱ میزان کاهش در واردات کالاهای صنعتی سرمایه‌ای، واسطه‌ای و مواد خام به ترتیب ۲۴,۹-، ۱۱,۴- و ۱۵,۵- و در سال ۱۳۹۲، ۳,۸-، ۱۱,۸- و ۲۷,۴- بوده است. این امر سبب تضعیف توان تولیدی کشور و کاهش سرمایه‌گذاری‌های جدید صنعتی شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳).

۴-۵- افزایش شاخص بهای تولیدات

تحریم‌ها علاوه بر کاهش میزان واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای و کالاهای سرمایه‌ای، توانسته است با افزایش هزینه‌های واردات، بهای تمام‌شده تولید در داخل را با افزایش روبرو کند.

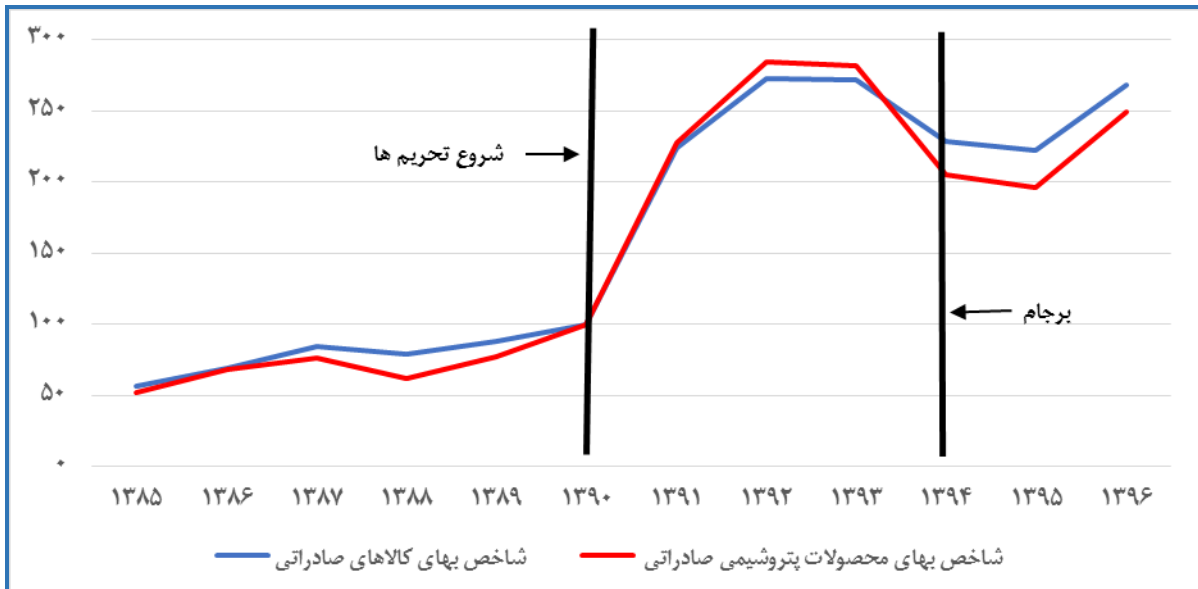
^۱ آن دسته از واردات کالایی که توسط بخش تولید کارخانه‌ای (Manufacture) تولید می‌گردد.

نمودار ۶- شاخص بهای تولیدکننده طی سال های ۹۶-۱۳۸۵ (بدون واحد-سال پایه ۱۳۹۰)



این افزایش بهای تمام شده تولیدات داخلی، از یکسو منجر به افزایش سطوح قیمت ها در داخل و از سوی دیگر کاهش قدرت رقابت پذیری کالاهای تولیدی در بازارهای بین المللی می شود. همان طور که در نمودار ۷ مشاهده می شود شاخص های بهای محصولات پتروشیمی و کالاهای صادراتی پس از شروع تحریم ها افزایش یافته است.

نمودار ۷- شاخص بهای محصولات پتروشیمی و کالاهای صادراتی طی سال های ۹۶-۱۳۸۵ (بدون واحد-سال پایه ۱۳۹۰)

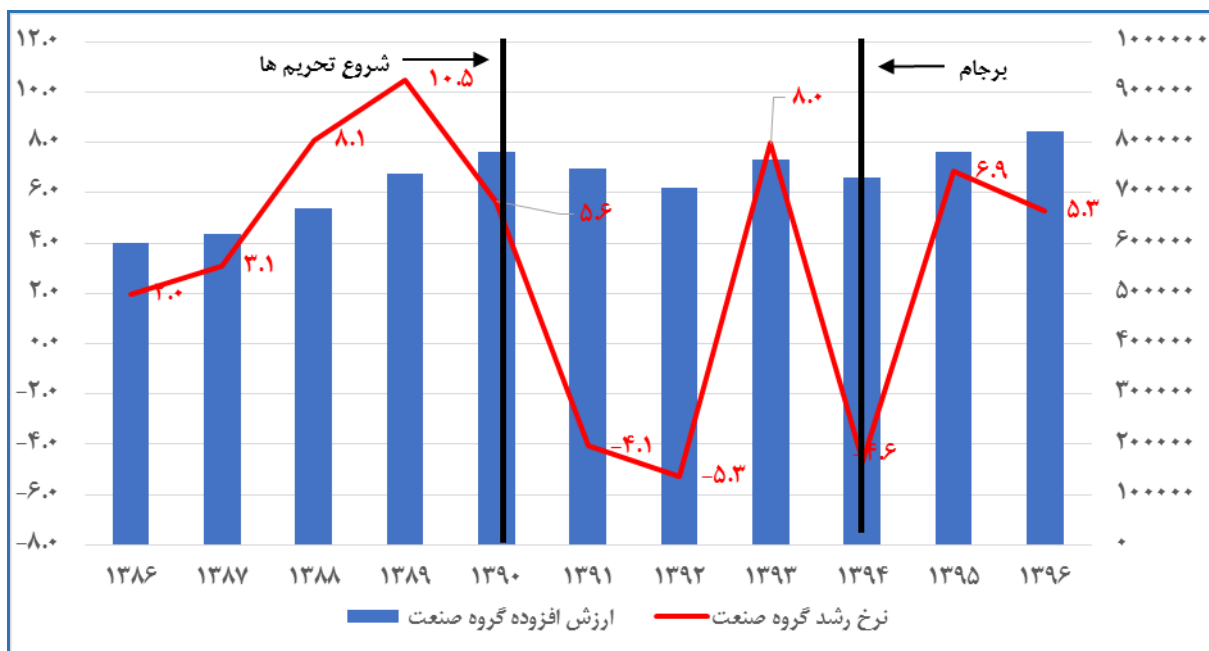


منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا

۴-۶- کاهش تولیدات صنعتی

علاوه بر گروه نفت، گروه صنعت نیز از تحریم‌ها تأثیر پذیرفته است. بر اساس آمار بانک مرکزی، بخش صنعت علیرغم نوسانات طی سال‌های ۹۰-۱۳۸۶ به‌طور میانگین رشد ۵,۹ درصد را طی کرده است. ولی هم‌زمان با تحریم‌ها، نرخ رشد بخش صنعت از رقم مثبت ۵,۶ درصد در سال ۱۳۹۰ به رقم ۴,۱- درصد در سال ۱۳۹۱ و ۵,۳- درصد در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته است.

نمودار ۸- ارزش‌افزوده و رشد گروه صنعت طی سال‌های ۹۶-۱۳۸۶ (میلیارد ریال-درصد) (سال پایه ۱۳۹۰)

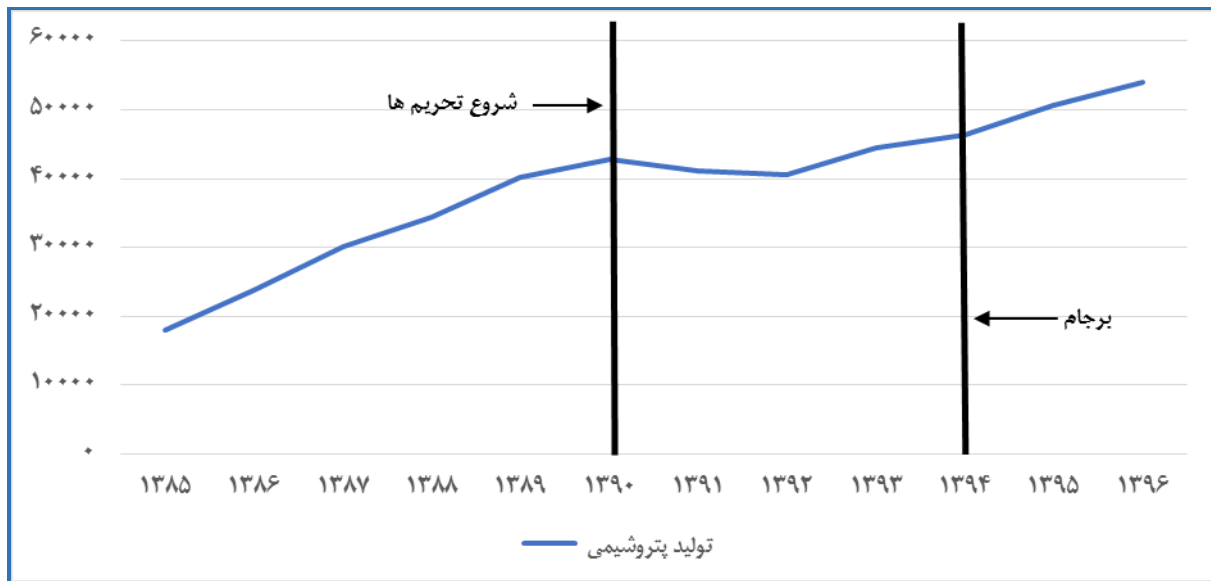


منبع: محاسبات نگارنده بر حسب داده‌های بانک مرکزی ج.ا.ا.

در زیرمجموعه گروه صنعت، دو بخش صنعتی پتروشیمی و خودرو به‌طور خاص به واسطه تحریم‌ها لطمات جدی خوردند.

تولید محصولات پتروشیمی به دلایلی از جمله تحریم در فروش مواد اولیه، خرید محصول نهایی و کمبود تجهیزات تعمیراتی طی سال‌های ۹۶-۱۳۸۵ کاهش یافته است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲). بر اساس آمار بانک مرکزی در سال ۱۳۹۰ تولید محصولات پتروشیمی ۴۲,۷ میلیون تن بوده که به رقم ۴۰,۶ میلیون تن در سال ۱۳۹۲ تنزل یافته است؛ به عبارت دیگر در سال ۱۳۹۱، ۳,۹ و در سال ۱۳۹۲، ۱,۲ درصد کاهش داشته است.

نمودار ۹- تولید محصولات پتروشیمی طی سال های ۹۶-۱۳۸۵ (هزار تن)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

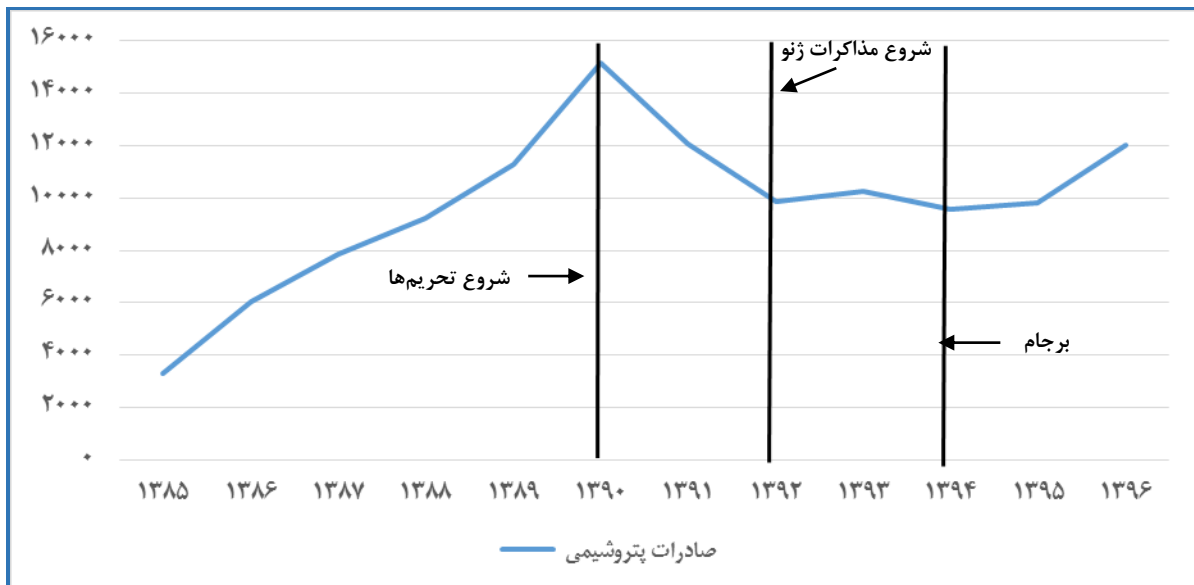
* رقم سال ۱۳۹۶ برگرفته از سایت اطلاع رسانی روابط عمومی شرکت ملی صنایع پتروشیمی

صادرات محصولات پتروشیمی نیز تحت تأثیر تحریمها قرار گرفت. بر اساس آمار بانک مرکزی، صادرات پتروشیمی ایران از رقم ۱۵,۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به رقم ۱۲,۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ و ۹,۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ کاهش یافته و همزمان با شروع مذاکرات ژنو متوقف و به ثبات نسبی رسیده است.^۱ میزان افت صادرات محصولات پتروشیمی ایران طی سال های ۹۲-۱۳۹۰ به میزان ۳۵- درصد بوده است.

باید توجه داشت هزینه‌ای که بخش صادراتی انرژی ایران به واسطه تحریمها متحمل شده است تنها به کاهش میزان صادرات این محصولات منتهی نمی‌شود، بلکه این تحریمها روند افزایشی صادرات اقلام پتروشیمی را دستخوش تغییر کرده است. به‌عنوان مثال همان‌طور که در نمودار ۱۰ مشاهده می‌شود طی سال‌های قبل از سال ۱۳۹۱ صادرات محصولات پتروشیمی ایران روند مثبت قابل توجهی را طی می‌کرده است که با اعمال تحریمها و حتی پس از رفع آن همچنان نتوانسته به رشد قبلی دست یابد.

^۱ به نظر می‌رسد پس از گذشت ۲ سال از تشدید تحریمها، ایران توانسته است راه‌های گریز و مقاصد صادراتی جدید برای محصولات پتروشیمی خود پیدا کرد.

نمودار ۱۰- ارزش صادرات پتروشیمی طی سال های ۹۶-۱۳۸۵ (میلیون دلار)

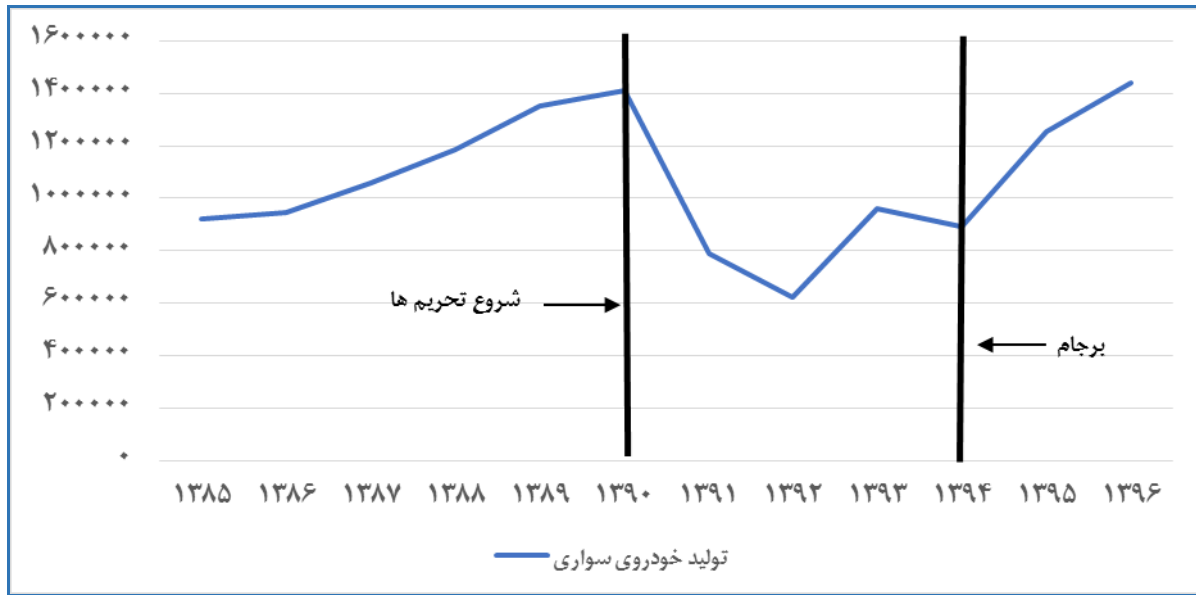


منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

تولید محصولات صنایع خودروسازی نیز به دلیل عدم پایداری شرکای خارجی به خصوص شرکت های رنو و پژو کاهش یافته است. این شرکت ها تعامل خود با صنایع خودروسازی ایران را به بهانه محدودیت های ناشی از تحریم قطع کردند (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۲).

در بخش واردات قطعات خودرو به دلیل تحریم و مشکلات در نقل و انتقال مالی و محدودیت بانک مرکزی در انجام سوئیفت، میزان واردات قطعات خودرو در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به شدت کاهش یافت و به کمتر از نصف در مقایسه با سال های قبل رسید. در سال ۱۳۹۳ هرچند حجم واردات قطعات خودرو به یکباره افزایش یافت و به رقم حدود ۳,۲ میلیارد دلار رسید، اما به دلیل محدودیت های ناشی از تحریم و افزایش هزینه های مبادله، اغلب این قطعات فاقد کیفیت لازم بوده و عموماً با واسطه از کشورهایمانند چین وارد کشور شده است (مرکز پژوهش های مجلس، ۱۳۹۴). کاهش شدید تولید خودرو در پی تحریم ها نشان از آن دارد که بعد از نزدیک به نیم قرن همچنان صنعت خودروی ایران، وابستگی شدید به واردات دارد و به درجه ای از خودکفایی نرسیده که در مقابل شوک هایی نظیر تحریم تاب بیاورد.

نمودار ۱۱- تولید خودروی سواری طی سال های ۹۶-۱۳۸۵ (دستگاه)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

* رقم سال ۱۳۹۶ برگرفته از اعلام انجمن خودروسازان ایران است.

همان گونه در نمودار ۱۱ مشخص شده است تولید خودرو در سال های ۹۲-۱۳۹۰ کاهش داشته است به گونه ای که تولید خودرو در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ با ۴۴,۲ درصد و در سال ۱۳۹۲ نسبت به سال ۱۳۹۱ با ۲۰,۸ درصد کاهش مواجه شده است. در سال های پس از امضای برجام تولید خودرو در ایران با شتاب افزایش یافت به گونه ای که توانست حتی از سطح اولیه تولید خودرو قبل از شروع تحریم ها در سال ۱۳۹۰ نیز پیشی بگیرد.

۴-۷- تغییر شرکای تجاری ایران

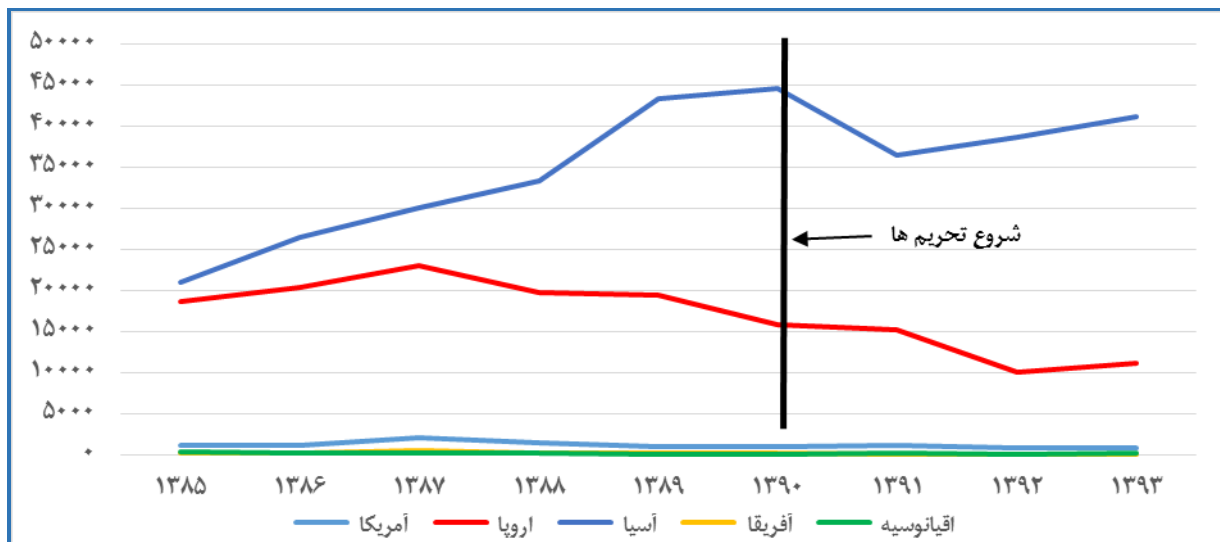
از دیگر اثرات تحریم ها بر اقتصاد ایران فارغ از کاهش میزان تجارت خارجی کشور، تغییر شرکای عمده تجاری ایران بوده است. در برهه ای که اصلی ترین تحریم کننده ایران، کشور امریکا بود، به علت حجم اندک مراودات تجاری ایران با امریکا و سهولت جانشین کردن این مراودات به جای امریکا با سایر کشورها، تحریم ها آن چنان خطرناک نبودند. ولی با تغییر تحریم ها از تحریم های یک جانبه (تحریم توسط امریکا) به تحریم های چند جانبه (پیوستن کشورهای اروپایی و برخی از کشورهای آسیایی همچون کره، ژاپن و امارات) اثرات تحریم ها فراگیر و جانشین کردن کشورها در مبادلات تجاری برای ایران سخت تر شد (طغیانی، ۱۳۹۳). این امر سبب شد که شرکای تجاری ایران نه بر حسب ویژگی های مورد نیاز شرکای تجاری از جمله کیفیت تولیدات این کشورها و یا فاصله بهینه این کشورها با ایران (به منظور کاهش هزینه حمل و نقل) بلکه بر حسب مؤلفه های سیاسی انتخاب شوند.

به‌عنوان مثال در شرایط تحریم، صنعت نفت ایران به جای عقد قرارداد خرید تکنولوژی با کشورهای غربی دارای مزیت و مولد تکنولوژی، اغلب مجبور شد به کشورهای بی‌رومی بیاورد که مایل به همکاری هستند، حتی اگر تکنولوژی در این کشورها باکیفیت پایین‌تری عرضه شود و یا اینکه این کشورها مزیت پایین‌تری به نسبت سایر کشورها داشته باشند (معظمی، ۱۳۹۱). این امر فرصتی برای بعضی از شرکت‌های چینی و روسی ایجاد کرد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵).

۴-۷-۱- تغییر ترکیب مقاصد وارداتی ایران

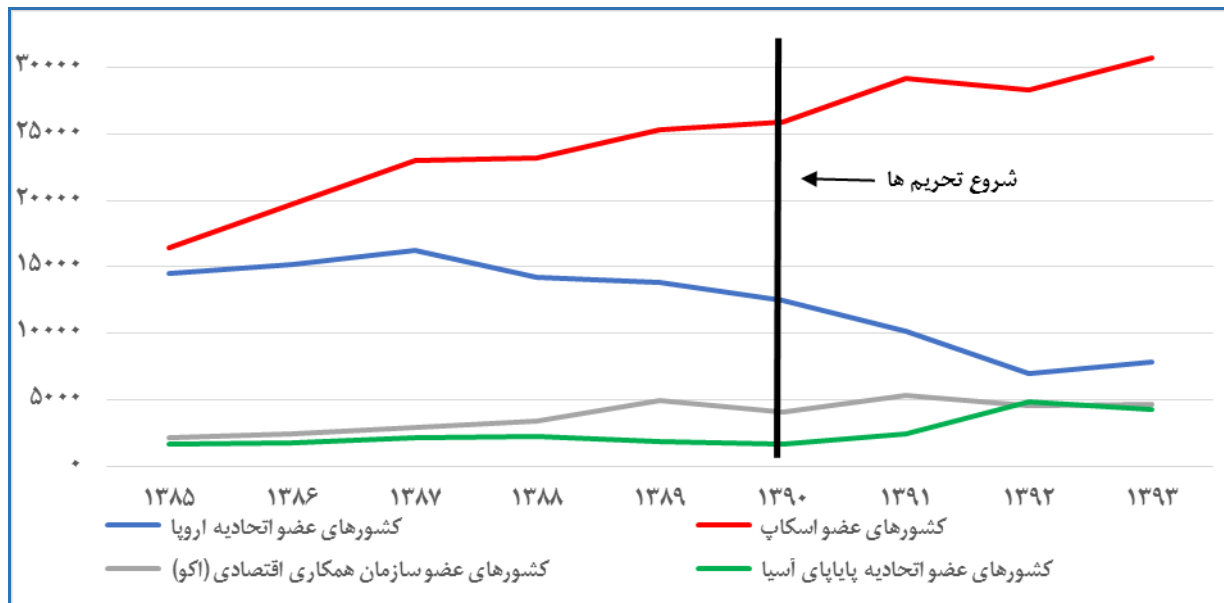
همان‌طور که در نمودار ۱۲ مشاهده می‌شود همواره واردات ایران از قاره‌های افریقا، آمریکا و اقیانوسیه اندک، ولی حجم واردات از آسیا و اروپا قابل توجه بوده است که به واسطه تحریم‌ها طی سال‌های ۹۲-۱۳۹۰ میزان واردات از دو قاره مذکور کاهش یافته است.

نمودار ۱۲- واردات گمرکی بر حسب قاره طی سال‌های ۹۳-۱۳۸۵ (میلیون دلار)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

نمودار ۱۳- واردات گمرکی بر حسب گروه کشوری طی سال های ۹۳-۱۳۸۵ (میلیون دلار)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

ضمن آنکه ترکیب کشورهای صادرکننده به ایران در دو قاره اروپا و آسیا نیز تغییر کرده؛ به گونه ای که واردات از کشورهای عضو اسکاپ^۱ و اتحادیه پایاپای آسیا^۲ افزایش و کشورهای عضو اتحادیه اروپا کاهش یافته است.

بررسی کشورهای عمده وارداتی کالای ایرانی برگرفته از آمار منتشر شده توسط گمرک نیز مؤید این مطلب است. در حالی که در سال ۱۳۸۹، ۴ کشور آلمان (۴۵۸۵ میلیون دلار)، سوئیس (۳۷۷۲ میلیون دلار)، فرانسه (۲۰۴۲ میلیون دلار) و ایتالیا (۱۷۴۵ میلیون دلار) جزء ۱۰ کشور اول مقصد وارداتی ایران قرار داشتند، در سال های پس از سال ۱۳۹۰ به مرور از میزان صادرات خود به ایران کاستند. به گونه ای که حتی پس از گذشت دو سال از توافق برجام (پایان سال ۱۳۹۶) همچنان میزان واردات ایران از این کشورها به رقم واردات سال ۱۳۸۹ نرسیده است.

^۱ United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP)

کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد برای آسیا و اقیانوس آرام (ESCAP) بازوی توسعه منطقه ای سازمان ملل برای منطقه آسیا و اقیانوس آرام است که از ۵۳ کشور عضو و ۹ عضو وابسته تشکیل شده است. ایران، چین، هند، ژاپن، مالزی، ترکیه، آذربایجان، پاکستان، سنگاپور، تاجیکستان، تایلند از جمله اعضای اسکاپ هستند.

^۲ Asian Clearing Union (ACU)

اتحادیه پایاپای آسیایی (ACU) یک توافق پرداختی است که بر اساس آن تسویه پرداخت های اعضا در معاملات درون منطقه ای بین بانک های مرکزی اعضا بر مبنای خالص چندجانبه صورت می پذیرد. بانک های مرکزی ایران، هند، پاکستان، بنگلادش، میانمار، نپال، سری لانکا، مالدیو و بوتان اعضای این اتحادیه هستند.

از طرفی میزان واردات ایران از کشور چین طی سال‌های مورد بررسی دارای روند کلی افزایشی بوده؛ به‌گونه‌ای که با ۱۲۹,۶ درصد افزایش، از رقم ۵۷۵۶ میلیون دلار واردات در سال ۱۳۸۹ به رقم ۱۳۲۱۶ میلیون دلار واردات در سال ۱۳۹۶ رسیده است.

۴-۷-۲- تغییر ترکیب مقاصد صادراتی ایران

بررسی ۱۰ مقصد اول صادرات غیرنفتی ایران نیز حاکی از آن است که کشورهای چین، عراق، امارات و ترکیه میزان واردات خود از ایران را طی سال‌های تحریم به‌طور کلی افزایش داده‌اند. کشور کره جنوبی گرچه در سال‌های ۹۱-۱۳۸۹ جزء ۱۰ واردکننده اول کالای ایرانی بوده ولی همواره از میزان واردات خود از ایران کاسته به‌گونه‌ای که طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۲ از لیست مذکور خارج شده است.

۴-۸- کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

تحریم‌ها اثر قابل توجهی بر جذب FDI ایران داشته است. متوسط سالانه دریافتی FDI ایران طی سال‌های منتهی به سال ۲۰۱۱، ۴ میلیارد دلار است. بخش اعظم این FDI جذب بخش نفت و گاز (بیش از ۵۰ درصد) و بخش صنعت (همانند خودروسازی و داروسازی) و معدن شده است.

کاهش میزان سرمایه‌گذاری مستقیم در اعداد و ارقام و نمودار ۱۴ به خوبی قابل مشاهده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سال ۱۳۸۶ در حال افزایش بوده است و در سال ۱۳۹۰ به بالاترین میزان خود یعنی ۴,۳ هزار میلیون دلار رسیده است. از سال ۱۳۹۰ به بعد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روند نزولی به خود گرفته است. نرخ رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی طی سال‌های ۹۳-۱۳۹۱ به ترتیب ۳,۷، ۲۱,۴-، ۶۱,۳- بوده است.

نمودار ۱۴- سرمایه‌گذاری خارجی طی سال‌های ۹۶-۱۳۸۵ (میلیون دلار)



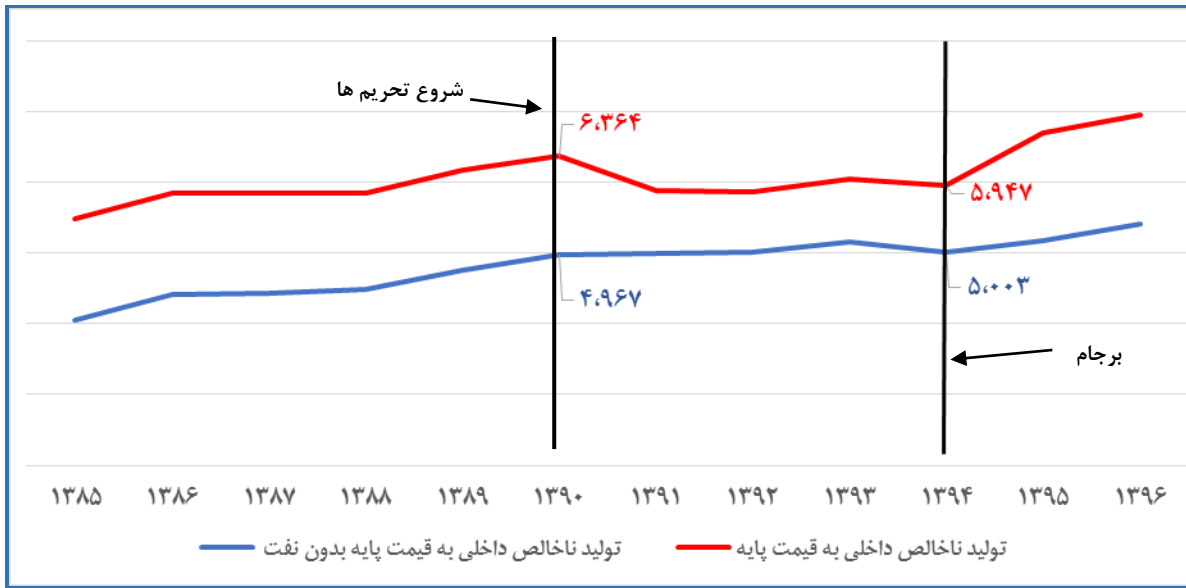
منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

۹-۴- کاهش نرخ رشد اقتصادی

مشکلات ساختاری حاکم بر اقتصاد و خطاهای فاحش در سیاست‌گذاری در دهه ۸۰، شرایط اقتصادی را به‌گونه‌ای پیش برد که در برابر هرگونه شوک داخلی و خارجی بسیار آسیب‌پذیر و شکننده شد. اعمال تحریم‌ها بر کشور، عامل تشدیدکننده شرایط نامناسب اقتصاد کشور شد به طوری که طی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ شاهد رشدهای منفی فاجعه‌بار اقتصادی بودیم.

روند تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۹۶-۱۳۸۵ در نمودار ۱۵ نشان داده شده است. در سال ۱۳۹۱ با شروع تحریم‌ها، افت شدید معادل ۴۹۱ میلیارد ریال در عرض ۱ سال در تولید ناخالص داخلی ایران رخ داد.

نمودار ۱۵- تولید ناخالص داخلی طی سال های ۹۶-۱۳۸۵ (هزار میلیارد ریال) (۱۳۹۰=۱۰۰)

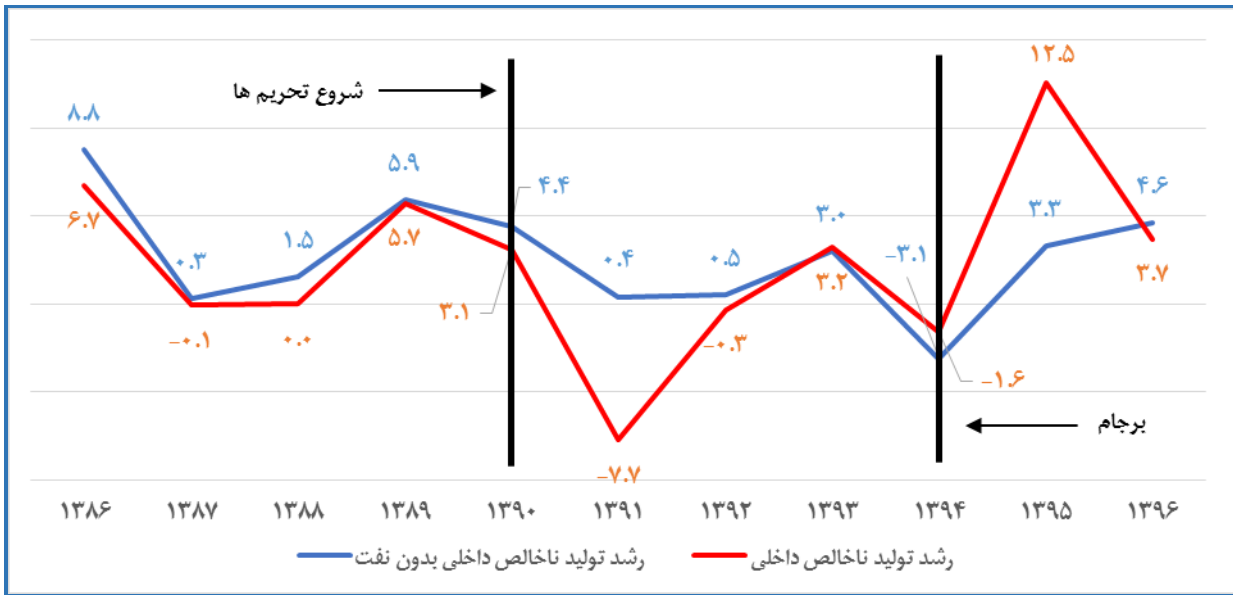


منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

از آنجایی که در سال ۱۳۹۱ همچنان تولید ناخالص داخلی ایران بدون نفت روند به نسبت صعودی خود را طی می کرد، می توان چنین نتیجه گرفت که در ابتدا کاهش تولید ناخالص بیشتر ناشی از کاهش در تولید و فروش نفت و فراورده های نفتی است. البته این موضوع دور از انتظار نیز نیست؛ چراکه یکی از مهم ترین و اثرگذارترین بخش های اقتصادی که ارزش افزوده آن نقش مؤثری در رشد تولید ناخالص داخلی داشته و به نوعی موتور محرک طرف تقاضای اقتصاد ایران نیز می باشد، بخش نفت است. بررسی رشد تولید ناخالص داخلی ایران نیز مؤید این مطلب است. طی سال های ۹۱ و ۹۲ کاهش در میزان رشد تولید ناخالص داخلی با نفت بسیار بیشتر از کاهش در رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت بوده است.

در حالی که در سال های ۹۲-۱۳۹۰ رشد تولید ناخالص داخلی بدون نفت به ترتیب ۴,۴، ۰,۴ و ۰,۵ درصد بوده، رشد تولید ناخالص داخلی از ۳,۱ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۷,۷- در سال ۱۳۹۱ سقوط کرده و در سال ۱۳۹۲ به ۰,۳- درصد رسیده است.

نمودار ۱۶- رشد تولید ناخالص طی سال‌های ۹۶-۱۳۸۶ (درصد) (۱۳۹۰=۱۰۰)



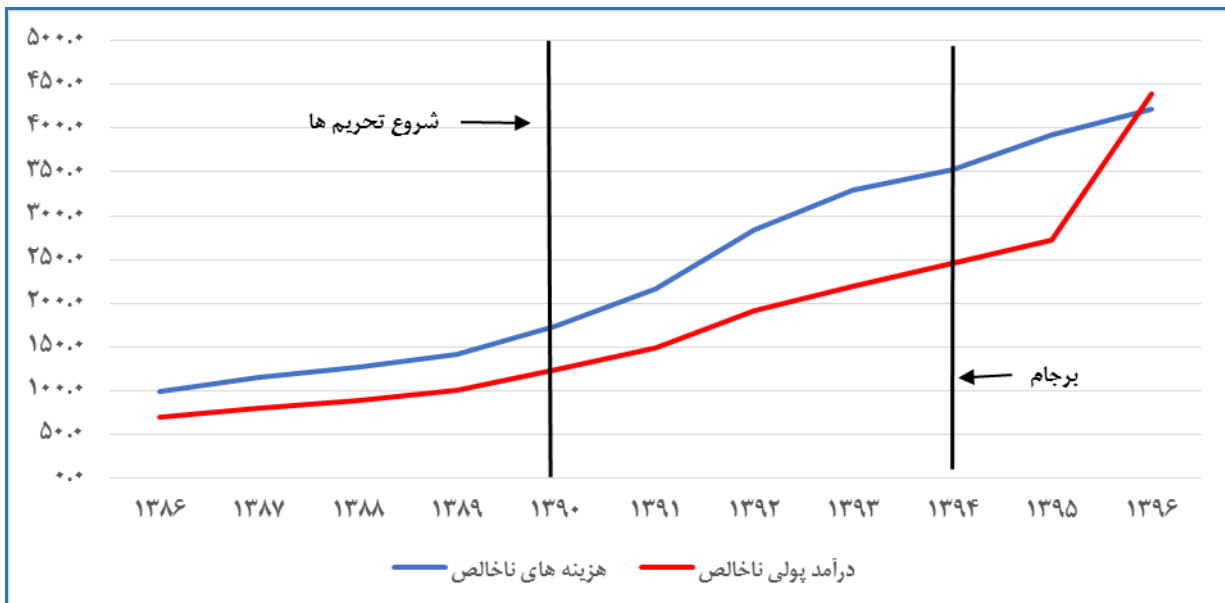
منبع: محاسبات نگارنده بر حسب داده‌های بانک مرکزی ج.ا.ا.

۴-۱۰- کاهش رفاه

تشدید تحریم‌ها در کنار سیاست‌های اقتصادی نادرست، به طرق مختلف بر رفاه خانواده‌های ایرانی در سال‌های پس از سال ۱۳۹۰ اثرگذار بوده است. کاهش تولید و به تبع آن کاهش درآمدهای اقتصادی از یک سو و از سوی دیگر افزایش هزینه‌ها و در نتیجه آن کاهش قدرت خرید خانوارها سبب کاهش رفاه خانواده‌های ایرانی در پی تحریم‌های اقتصادی شده است.

آمار درآمد و هزینه خانوار گویای وضعیت معیشتی یک خانوار شهری در ایران است. در نمودار ۱۷ متوسط درآمد پولی ناخالص و متوسط هزینه‌های ناخالص یک خانوار شهری نشان داده شده که گویای روند افزایشی طی سال‌های مورد بررسی است. همچنین مشاهده می‌شود که همواره شکاف فی‌مابین متوسط هزینه ناخالص و درآمد پولی ناخالص یک خانوار شهری دیده می‌شود که در دوره تشدید تحریم‌ها افزایش یافته است. بر اساس گزارش "بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران" بانک مرکزی این فاصله از طریق درآمدهای غیر پولی ناخالص اعم از حقوق بازنشستگی، درآمد حاصل از اجاره، سود انواع سپرده و ... پوشش داده می‌شود.

نمودار ۱۷- متوسط درآمد پولی ناخالص و متوسط هزینه های ناخالص یک خانوار شهری طی سال های ۹۶-۱۳۸۶ (میلیون ریال)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

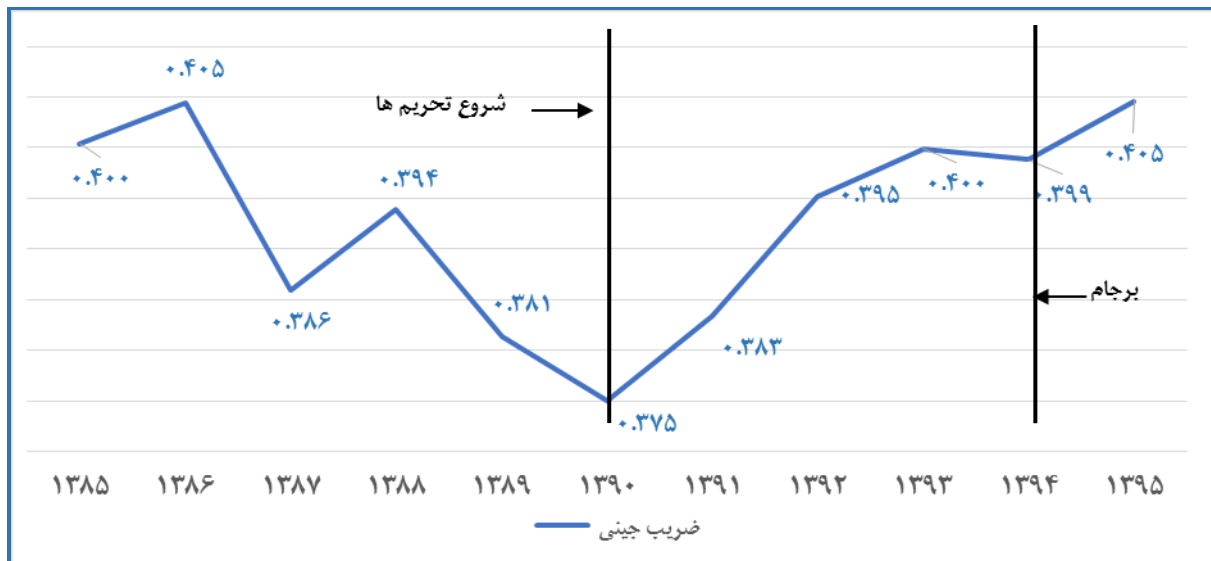
بر اساس اطلاعات مندرج در گزارش بودجه خانوار بانک مرکزی، در سال های ۹۲-۱۳۹۰ متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار شهری به ترتیب ۲۲,۸، ۲۴,۵ و ۳۱,۴ درصد افزایش داشته است. سه گروه مسکن، آب، برق و گاز و سایر سوخت ها (متوسط با سهم ۳۲,۵ درصد)، خوراکی ها و آشامیدنی ها (متوسط با سهم ۲۵,۸ درصد) و حمل و نقل (متوسط با سهم ۹,۹ درصد) بیشترین سهم گروه های مختلف هزینه از متوسط هزینه ناخالص سالانه یک خانوار را در سال های مذکور داشته اند.

بررسی توزیع درآمد اغلب با بهره گیری از شاخص هایی نظیر ضریب جینی صورت می پذیرد. شاخص ضریب جینی بدون واحد است و رقم بالاتر این شاخص، نشان دهنده نابرابری بیشتر در توزیع درآمدی ایران است.

در نمودار ۱۸ ضریب جینی در مناطق شهری طی سال های ۹۵-۱۳۸۵ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می شود، علیرغم آنکه روند شاخص ضریب جینی^۱ طی سال های منتهی به سال ۱۳۹۰ نزولی و در جهت بهبود رفاه خانوارها بوده، از سال ۱۳۹۰ به بعد این شاخص به سمت نابرابری توزیع درآمد تغییر جهت داده است.

^۱ ضریب جینی از شاخص های مهم اندازه گیری نابرابری توزیع درآمد می باشد. اندازه این شاخص بین صفر (معرف جامعه ای با برابری کامل توزیع درآمد) و یک (نمایانگر عدم برابری توزیع درآمد در جامعه) تغییر می کند.

نمودار ۱۸- ضریب جینی در مناطق شهری طی سال‌های ۹۵-۱۳۸۵ (بدون واحد)



منبع: بانک مرکزی ج.ا.ا.

۵- بازگشت دور جدید از تحریم‌ها

برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در پی بیش از ۲۲ ماه مذاکره فشرده، در ۲۳ تیرماه ۱۳۹۴ بین جمهوری اسلامی ایران و اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به همراه آلمان، موسوم به ۱+۵، مورد توافق قرار گرفت، پس از تأیید شورای عالی امنیت ملی، مجلس شورای اسلامی و نهایتاً مقام معظم رهبری، در تاریخ ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۴ رسماً به مرحله اجرا درآمد. حدود یک هفته پس‌از آن، در ۲۹ تیرماه نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور قطعنامه ۲۲۳۱، شش قطعنامه تحریمی پیشین را که بر برنامه هسته‌ای ایران وضع شده بود، ملغی کرد.

در ادامه با روی کار آمدن ترامپ بر صحنه سیاست آمریکا در سال ۲۰۱۶ و مخالفت او با توافق برجام و تهدید به خروج آمریکا از آن، سرانجام ایالات متحده رسماً در تاریخ ۸ می ۲۰۱۸ (۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷) به صورت یک‌جانبه از برجام خارج شد. بر طبق بیانیه منتشر شده توسط وزارت خزانه‌داری آمریکا سری جدید تحریم‌ها علیه ایران در دو بخش اجرا می‌شود. بر اساس این بیانیه برخی تحریم‌ها بعد از پایان دوره ۹۰ روزه (۱۵ مرداد ۱۳۹۷) و برخی دیگر بعد از پایان دوره ۱۸۰ روزه (۱۳ آبان ۱۳۹۷) بازخواهند گشت که در ادامه به اختصار توضیح داده شده‌اند (عسگری، ۱۳۹۷).

«دوره ۹۰ روزه در تاریخ ۶ اوت ۲۰۱۸ (۱۵ مرداد ۱۳۹۷) به پایان می‌رسد. بعد از این تاریخ، دولت آمریکا تحریم‌های ذیل را که به موجب برجام رفع شده بودند احیا خواهد کرد:

- تحریم‌های مربوط به خرید یا اکتساب اسکناس‌های دلار آمریکا توسط حکومت ایران،
- تحریم‌های مربوط به تجارت طلا یا فلزات گران‌بها توسط ایران،

- تحریم‌های مربوط به فروش، عرضه، تأمین یا نقل و انتقال گرافیت، فلزات خام و نیمه ساخته مانند آلومینیوم و فولاد و صادرات یا نرم‌افزار برای یکپارچه‌سازی فرآیندهای صنعتی به ایران،
- تحریم‌های مربوط به معاملات خرید یا فروش ریال ایران یا نگهداری حساب‌ها و وجوه عمده‌ای که در خارج از خاک ایران بر پایه ریال ایران نگهداری می‌شوند،
- تحریم‌های مربوط به خرید، پذیره‌نویسی یا تسهیل معاملات دیون حاکمیتی ایران،
- تحریم‌های بخش خودروسازی ایران.

همچنین، بعد از گذشت این دوره، دولت آمریکا مجوزهای برجانی صادر شده برای رفع تحریم‌های اولیه زیر را لغو خواهد کرد:

- مجوز واردات فرش و مواد غذایی از مبدأ ایران به آمریکا و برخی مبادلات مالی مرتبط با آن‌ها ذیل مجوزهای مربوط به "قانون تحریم‌ها و مبادلات ایران"؛
 - فعالیت‌های انجام شده وفق مجوزهای صادر شده برای صادرات و باز صادرات هواپیماهای تجاری مسافربری و قطعات و خدمات مربوطه به ایران؛
- اشخاصی که بعد از رفع تحریم‌های آمریکا علیه ایران توافق برجام وارد فعالیت‌های بالا شده‌اند بایستی برای اجتناب از قرار گرفتن در فهرست تحریم‌های آمریکا تا ۶ اوت ۲۰۱۸ این فعالیت‌ها را به تدریج کاهش دهند.
- بعد از دوره ۱۸۰ روزه که در تاریخ ۴ نوامبر ۲۰۱۸ (۱۳ آبان ۱۳۹۷) به پایان می‌رسد دولت آمریکا تحریم‌های مربوط به فعالیت‌های زیر و خدمات مرتبط با آن‌ها که پس از اجرایی شدن برجام برداشته شده بودند را مجدداً احیا خواهد کرد:

- تحریم‌های معامله با بخش‌های کشتیرانی و کشتی‌سازی ایران و عاملان بنادر شامل شرکت کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، خطوط کشتیرانی جنوب و وابستگان به آن‌ها؛
- تحریم مربوط به معامله با شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی نفت کش ایران، شرکت بازرگانی نفت ایران (نیکو) و از جمله خریداری نفت، محصولات مفتی یا محصولات پتروشیمی از ایران؛
- تحریم‌های مربوط به مبادلات مؤسسات مالی خارجی با بانک مرکزی ایران و مؤسسات مالی ایرانی که به موجب بند ۱۲۴۵ قانون اختیارات دفاع ملی برای سال مالی ۲۰۱۲ در فهرست تحریم قرار گرفته‌اند.
- تحریم‌های مرتبط با ارائه خدمات پیام‌رسانی مخصوص مالی به بانک مرکزی ایران و دیگری مؤسسات مالی ایران در بند ۱۰۴ قانون CISADA درباره آن‌ها توضیحات لازم آمده است.
- تحریم‌های مربوط به ارائه خدمات پذیره‌نویسی، بیمه یا بیمه اتکایی؛
- تحریم‌های مربوط به بخش انرژی ایران.

نکته حائز اهمیت آن است که برخی از تحریم‌های ذکر شده بر اساس دستورات اجرایی ۱۳۵۷۴، ۱۳۵۹۰ و ۱۳۶۲۲ و ۱۳۶۴۵ و ۱۳۶۲۸ وضع شده است که پس از برجام مطابق دستور اجرایی ۱۳۷۱۶ لغو شده‌اند، اما در بیانیه وزارت خزانه‌داری آمریکا تأکید شده است که انتظار می‌رود این تحریم‌ها مجدداً وضع شوند (دستور اجرایی ۱۳۷۱۶ لغو شود) و از همه طرف‌های معامله با ایران خواسته است که در این خصوص تمهیدات لازم را بیندیشند» (عسگری، ۱۳۹۷).

دور جدید تحریم‌ها از سوی آمریکا با تحریم‌های قبلی دارای تفاوت قابل توجهی است. در تحریم‌های پیشین، آمریکا با شناخت دقیق نقاط آسیب‌پذیری اقتصاد ایران یعنی وابستگی قابل توجه اقتصاد و درآمدهای ایران به صادرات منابع نفتی، بخش‌هایی از قبیل نفت، حمل‌ونقل، بیمه و بخش‌های بانکی را مورد تحریم قرار داد. در این راه آمریکا از کمک هم‌پیمانان خود همانند اتحادیه اروپا و سازمان‌های بین‌المللی از قبیل سازمان ملل استفاده کرد. در دور جدید تحریم‌ها آمریکا با بهره‌گیری از تجربیات خود در تحریم‌های اعمالی علیه کشورها از جمله ایران و شناسایی راه‌های دور زدن تحریم‌ها، سطح تحریم‌های خود را از سطح تحریم کشورهای تا سطح تحریم بنگاه‌ها گسترده کرده است که این امر سبب تشدید اثرگذاری تحریم‌ها بر اقتصاد ایران خواهد شد. لذا لازم است در این ارتباط تصمیم عاجل گرفته شود و برنامه‌ای جامع تدوین گردد که در ادامه به آن پرداخته شده است (خلعتبری، ۱۳۹۷).

۶- برنامه جامع مقابله با تحریم

آنچه مشخص است در صورت بازگشت تحریم‌ها نبود برنامه عملیاتی برای مقابله با آن‌ها می‌تواند نتایج غیرقابل جبرانی برای ایران به همراه داشته باشد. فقدان برنامه‌ای جامع سبب تشدید شرایط نامناسب اقتصادی و همچنین شکل‌دهی انتظارات منفی مردمی می‌شود. در این ارتباط می‌توان به بی‌برنامگی در تخصیص ارز و پیش‌فروش سکه در ماه‌های اخیر اشاره کرد که نه تنها عایدی قابل توجهی به همراه نداشته است بلکه به جهت ایجاد فساد، سبب تشدید نااطمینانی میان مردم، کاهش سرمایه‌اجتماعی و افزایش فاصله بین مردم و حکومت شده است.

ضمن آنکه فرصت‌های بسیاری نیز در این سال‌ها از دست رفت. به‌عنوان مثال اقتصاد مقاومتی که در ادبیات بین‌المللی از آن با عنوان تاب‌آوری یاد می‌شود تدبیری مناسبی برای مقاوم‌سازی ایران در مقابل بحران‌هایی از قبیل تحریم بوده است که متأسفانه در مرحله برداشت و اجرا دچار شعارزدگی شد و در عمل ثمره خاصی به همراه نداشت که اگر این چنین نمی‌شد امروز می‌توانستیم از ثمره آن بهره بگیریم.

در شرایط حاضر و با توجه به اهمیت و اضطرار مسئله بازگشت تحریم‌ها انتظار می‌رود برنامه جامع مقابله با تحریم‌ها هر چه سریع‌تر تدوین و در اختیار دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی قرار بگیرد.

برای تدوین برنامه جامع مقابله با تحریم‌ها لازم است که موارد زیر در نظر گرفته شود:

✓ واقع‌بینانه تدوین شود. شعارزدگی، آرمان‌گرایی و کوچک شمردن توانایی کشور تحریم کننده، سبب

نقصان برنامه مقابله با تحریم خواهد بود.

- ✓ از موضع توسعه ملی و کلان اقتصادی به مسئله نگرینسته شود تا با شناسایی منطق رفتاری موجود، برنامه‌های سیستماتیک در سطح ملی و نه در سطوح بخشی و دستگاهی در راستای مواجهه کشور با پیامدهای اجتناب‌ناپذیر بازگشت تحریم‌ها، تهیه و به کار گرفته شود.
- ✓ اثرات تحریم‌ها به درستی پایش شوند. پیشنهاد می‌شود ضمن بررسی مجدد کارنامه عملی ایران در برخورد با تحریم‌های اقتصادی پیشین و بررسی اقدامات صحیح و غلط صورت پذیرفته به منظور درس گرفتن از آن‌ها، به موازات اقدام‌های عملی امریکا برای تحریم ایران به ازای هر اقدام تدبیری اندیشیده و عکس‌العمل مناسب اقتصادی صورت پذیرد و گزارشی در ارتباط با اقدام، ضد اقدام و نتایج هر کدام و میزان موفقیت آن‌ها تهیه گردد که مبنای سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات ضد تحریمی بعدی ایران قرار گیرد.
- ✓ در راستای به دست آوردن اعتماد عمومی تلاش شود. همراهی مردم در تمامی مراحل می‌تواند مانع از افزایش هزینه‌های تحریم در قالب خروج سرمایه، سفته‌بازی، تورم، احتکار و... شود. در این زمینه شفاف‌سازی، برخورد جدی با فاسدان و مقصران به صورت خاص مسئولین خاطی دستگاه‌های حکومتی (با توجه به شرایط بحرانی کنونی، کوتاهی مسئولین می‌تواند هزینه‌های گزاف برای ایران در پی داشته باشد لذا لازم است در چنین مواردی برخورد جدی صورت پذیرد) و طرح مشکلات و ارائه راه‌کارهای ممکن به صورت صادقانه توسط مسوولان و نبود تناقض در رفتارهای آشکار و پنهان مسئولین می‌تواند مثمر ثمر باشد.

۷- جمع‌بندی و ارائه راهکار

اقتصاد ایران همواره از مشکلات ساختاری همانند خلاء برنامه‌های کارآمد، سیاست‌گذاری‌های اشتباه، تزریق بی‌حساب و کتاب منابع و درآمدهای ارزی، فساد سیستمی و نابسامانی‌های محیط کسب‌وکار رنج برده است. این امر سبب شده است که اقتصاد ایران ضعیف و در مقابل تکانه‌ها و شوک‌های اقتصادی ناتوان و آسیب‌پذیر باشد. تأثیرپذیری شدید اقتصاد ایران در نیمه اول دهه ۱۳۹۰ از تحریم‌ها مؤید این مطلب است. طی سال‌های ۹۴-۱۳۹۰، تحریم صادرات نفت ایران موجب کاهش صادرات این محصول شد. این امر در کنار قطع دسترسی نظام مالی ایران به نظام مالی بین‌المللی درآمدهای ارزی ایران را کاهش داد که نتیجه آن به صورت افزایش نرخ‌های ارز در بازار رسمی و غیررسمی و همچنین فاصله بین این دو نرخ مشاهده شد. تحریم‌های مالی روابط بین‌المللی بانک‌های ایرانی را به شدت تحت تأثیر قرار داد تا جایی که بانک‌های ایرانی مجبور شدند، مبادلات پولی بین‌المللی خود را از طریق بازار غیررسمی با صرف هزینه و ریسک بالاتر

پیگیری کنند. این مهم علاوه بر سیستم بانکی، بخش های تولیدی را به علت افزایش هزینه تأمین مالی دچار خسران کرد.

از آنجایی که فعالیت های تولیدی در ایران وابستگی بالا به واردات مواد اولیه، واسطه ای و سرمایه ای دارند، از افزایش نرخ ارز تأثیر پذیرفتند. در نتیجه هزینه تولید برای تولیدکنندگان افزایش و سودآوری آنها کاهش یافت. لذا از توان تولیدی آنها کاسته و توان رقابت تولید داخلی نیز کاهش یافت. این امر توجیه پذیری سرمایه گذاری و افزایش ظرفیت تولید را نیز تحت الشعاع خود قرار داد. به عنوان مثال می توان به صنعت خودرو اشاره کرد که همان طور که مشاهده شد در نتیجه تحریم واردات قطعات، تولید خودرو در ایران کاهش قابل توجهی یافت؛ بنابراین در نتیجه تحریم ها بخش های تولیدی زیان دیده و تولید آنها با افت مواجه شد که کاهش نرخ رشد - بهتر است گفته شود سقوط نرخ رشد - گواه این امر است. این امر نیز سبب کاهش رفاه در سال های تحریم گشت.

با توجه به مطالب عنوان شده، بازگشت تحریم ها توسط امریکا، یک خطر قابل توجه برای اقتصاد ایران است که لازم است برای آن تدبیری اندیشیده شود. ضمن آنکه در دور جدید تحریم ها، امریکا به علت بهره گیری از تجربیات خود در تحریم های اعمالی علیه کشورها از جمله ایران و شناسایی راه های دور زدن تحریم ها، سطح تحریم های خود را از سطح تحریم کشورها تا سطح تحریم بنگاه ها گسترده کرده است که این امر سبب تشدید اثرگذاری تحریم ها بر اقتصاد ایران خواهد شد.

آنچه مشخص است در صورت بازگشت تحریم ها، نبود برنامه عملیاتی برای مقابله با آنها می تواند نتایج غیرقابل جبرانی برای ایران به همراه داشته باشد. فقدان برنامه و بی تدبیری سبب تشدید شرایط نامناسب اقتصادی و همچنین شکل دهی انتظارات منفی مردمی می شود.

افزایش تاب آوری و کاهش نقاط آسیب پذیری اقتصاد ایران از طریق اجرا سازی اقتصاد مقاومتی به دور از شعارزدگی در بلندمدت می تواند مثمر ثمر باشد. ولی در کوتاه مدت و میان مدت انتظار می رود برنامه جامع مقابله با تحریم ها هر چه سریع تر تدوین و در اختیار دستگاه های اجرایی و بخش خصوصی قرار بگیرد. این برنامه می بایست واقع بینانه تدوین و اثرات تحریم به درستی پایش شود؛ در آن از موضع توسعه ملی و کلان اقتصادی به مسئله نگرسته شود و در راستای به دست آوردن اعتماد عمومی تلاش گردد. ضمن آنکه شفاف سازی اقتصادی و ایجاد فضای رقابتی نیز بسیار حائز اهمیت است. هر برنامه جامعی هر چند بی نقص، در فضای غیرشفاف اقتصادی، قابلیت اجرا و ثمر بخشی نخواهد داشت.

منابع و ماخذ

۱. آذری، مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷، "تحریم اقتصادی؛ آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها"، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۷.
۲. اتاق بازرگانی تهران، ۱۳۹۳، "مدیریت اقتصادی کشور در شرایط تحریم"، مجری: دکتر عبدالرسول قاسمی.
۳. اقبالی، میثم، خلیل‌زاده، مونا، ۱۳۹۵؛ "تحریم‌های بین‌المللی به مثابه ابزاری اقتصادی در جهت اعمال سیاست خارجی"، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره هشتم، مهر ۱۳۹۵، ص ۲۲۶-۲۰۳.
۴. خلعتبری، فیروزه، ۱۳۹۷، "روند و ماهیت رفتارهای تحریمی آمریکا"، ارائه شده در مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران.
۵. رحمتی، محمدحسین، کریمی راد، علی، مدنی‌زاده، سید علی، ۱۳۹۵، بررسی اثر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران طی سال‌های ۹۲-۱۳۹۱، تحقیقات اقتصادی، دوره ۳، شماره ۵۱.
۶. زهابی، مریم، ۱۳۹۴، تحلیل پایداری بخش خارجی اقتصاد ایران در چارچوب اقتصاد مقاومتی، فصلنامه روند.
۷. طاهرپور، جواد، ۱۳۹۶، دستاوردهای برجام در حوزه فعالیت‌های بانکی و بیمه‌ای، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
۸. طغیانی، مهدی و همکاران، ۱۳۹۳، "مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم (مبانی نظری و تاریخچه تحریم در جهان و ایران)، سازمان پدافند غیرعامل، تهران: نیلوفران.
۹. طغیانی، مهدی، درخشان، مرتضی، ۱۳۹۳، تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه راهبرد، سال ۲۳، شماره ۷۳.
۱۰. عسگری، محمدمهدی، ۱۳۹۷، "خروج آمریکا از برجام و تبعات آن برای ایران"، شرکت سبدرگان الگوریتم.
۱۱. علیخانی، حسین، ۱۳۸۴، "تحریم ایران: شکست یک سیاست"، ترجمه محمد متقی‌نژاد برای دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران: وزارت امور خارجه ۱۳۸۴.
۱۲. کنگره آمریکا، ۲۰۱۳، "گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا در مورد تحریم‌های ایران"، ترجمه محمد جعفری، حمیدرضا درخشان، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۲.
۱۳. گرشاسبی، علیرضا، یوسفی دیندارلو، مجتبی، ۱۳۹۵، "بررسی اثرات تحریم بین‌المللی بر متغیرهای کلان اقتصادی ایران"، فصلنامه تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی شماره ۲۵ پاییز ۹۵.
۱۴. مختاری، حسین، ۱۳۹۴، "تأثیر تحریم‌های بین‌المللی بر عوامل قدرت ملی؛ با تأکید بر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل بر علیه ج.ا.ایران"، فصلنامه ژئوپلیتیک- سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۴، صص ۱۷۳-۱۳۴.
۱۵. مرادی، عبدالله، تابستان ۱۳۹۲، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هفتم، شماره ۲.
۱۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، خرداد ۱۳۹۷، "هنر تحریم‌ها، نگاهی از درون میدان" نویسنده: نفیو.
۱۷. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۰، بررسی تحریم یک‌جانبه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا و اتحادیه اروپا.
۱۸. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲، ارزیابی و تحلیل عملکرد بخش صنعت در سال ۱۳۹۲.
۱۹. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲، تحلیل عملکرد بخش صنعت در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱.
۲۰. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، "درباره سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ۵. ارزیابی شاخص‌های جهانی برای سنجش درجه مقاومت اقتصادی.
۲۱. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، تحلیل ارزش واردات صنعتی ایران طی دوره ۹۳-۱۳۸۰.
۲۲. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، تحلیل ارزش واردات صنعتی ایران طی دوره ۹۳-۱۳۸۰.
۲۳. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۳، کالبدشکافی واردات خودرو سواری.

۲۴. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴، درباره برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) ۶. تحلیل اثرات اجرای برجام در بخش صنعت، پتروشیمی و معدن کشور.
۲۵. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۴، وضعیت توزیع درآمد در ایران (ویرایش اول).
۲۶. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵، آسیب‌شناسی نظام بانکی ۸. نحوه تسویه درآمدهای ارزی حاصل از نفت بین دولت و بانک مرکزی.
۲۷. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵، چشم‌انداز صادرات درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز ایران.
۲۸. مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷، تحلیلی بر وضعیت بازار ارز، بررسی اقدامات دولت و ارائه پیشنهادهای تکمیلی.
۲۹. معظمی، منصور، آشتیانی، نرجس سرعتی، ۱۳۹۱، راهبردهای مقابله با اثرات تحریم بر صنعت نفت ایران با تأکید بر توسعه همکاری‌های دانشگاه و صنعت، فصلنامه نوآوری و ارزش‌آفرینی، سال ۱، شماره ۱.
۳۰. وصالی، ساناز، ترابی، مهرنوش، ۱۳۸۹، اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱.
۳۱. هافبوئر، گری و همکاران، ۲۰۰۷، ترجمه محمد جعفری و حمیدرضا درخشان، "واکاوی تحریم‌های اقتصادی؛ مبانی نظری و تجربه بین‌المللی"، تهران: موسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۹۳.
۳۲. یآوری، کاظم، محسنی، رضا، ۱۳۸۸، آثار تحریم‌های تجاری و مالی بر اقتصاد ایران: تجزیه و تحلیل تاریخی، مجلس و پژوهش، سال ۱۶، شماره ۶۱.
33. Barnum, M & Fearey, B (2016): "Sanctions as a nonproliferation tool: Lessons from Libya", Comparative Strategy, Volume 35, 2016 - Issue 4 , Published Online: 02 Nov 2016.
34. Eyler, R. 2007. Economic Sanction International Policy and Political Economy at Work. Palgrave Macmillan.
35. Friberg Lyme, Rune (2012), "Sanctioning Assad's Syria: Mapping the economic, socio-economic and political repercussions of the international sanctions imposed on Syria since March 2011", Dansk Institut for Internationale Studier, 2012.
36. Katzman, K. (2018, June 29). Iran Sanctions. Retrieved from Congressional Research Service: <https://fas.org/sgp/crs/mideast/RS20871.pdf>.
37. Ong, Niek (2016), "Economic sanctions and Libya: on the factors that influence the success", Bachelor thesis Politicologie: Internationale Betrekkingen en Organisaties, Universiteit Leiden.
38. <http://www.mbri.ac.ir/>
39. Sillman, R.M (2016), "SANCTIONS INTENSITY AND STATE RESPONSE: AN ANALYSIS OF THE EFFECTS OF PARTIAL AND FULL SANCTIONS REGIMES", A Thesis submitted to the Faculty of the Graduate School of Arts and Sciences of Georgetown University in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts in Arab Studies.
40. Masters, J (2017): "What Are Economic Sanctions?", <https://www.cfr.org/background/what-are-economic-sanctions>
41. Samore, G (2015): "Sanctions Against Iran: A Guide to Targets, Terms, and Timetables", Belfer Center for Science and International Affairs, Harvard Kennedy School.
42. Sen, A. K. (2018, May 8). *A Brief History of Sanctions on Iran*. Retrieved from Atlantic Council: <http://www.atlanticcouncil.org/blogs/new-atlanticist/a-brief-history-of-sanctions-on-iran>
43. Spider Web (2013): The Making and Unmaking of Iran Sanctions Middle East Report N°138 25 February 2013.
44. World Bank, 2016, IRAN ECONOMIC MONITOR: SEIZING THE OPPORTUNITY.